

فرا تحلیل مطالعات اعتماد سیاسی در ایران پس از انقلاب اسلامی

سالار مرادی^۱

مصطفی کواکبیان^۲

حشمت الله فلاحت پیشه^۳

چکیده

با وجود اجماع اندیشمندان مختلف بر اهمیت و جایگاه اعتماد سیاسی به عنوان یکی از مهمترین شاخص‌ها در تحلیل سرمایه اجتماعی و تعیین میزان موفقیت ساختار سیاسی در جلب رضایت و اعتماد شهروندان، هنوز پارادایم و چارچوب نظری یکسانی برای تحلیل آن پدید نیامده است و پژوهشگران در مطالعه اعتماد سیاسی با روش‌های متنوع به نتایج متفاوتی دست یافته‌اند. هدف اصلی این مقاله این است که مطالعات اعتماد سیاسی در ایران پس از انقلاب اسلامی به چه صورت و تحت تأثیر چه متغیرهایی انجام شده است؟ شاخص‌های مورد استفاده در چارچوب رویکرد فراتحلیل عبارتند از: سال اجرا، هدف، روش و رویکرد نظری، گستره اجرا و تحلیل نتایج، همچنین تلاش خواهد شد مدلی فراگیر در تحلیل اعتماد سیاسی با توجه به ویژگی‌های خاص اجتماعی و فرهنگی ایران معرفی گردد. روش به کار رفته در این پژوهش توصیفی و تحلیلی و نوع پژوهش بنیادی است. یافته‌ها نشان می‌دهد مطالعات اعتماد سیاسی عمدتاً در دهه سوم و چهارم انقلاب اسلامی انجام شده و بیشتر جنبه تبیینی دارند و اعتماد سیاسی با «رویکرد نهادی»، و تحت تأثیر متغیرهایی در سه سطح خرد، میانی و کلان بررسی شده است. اعتماد سیاسی کل شهروندان در حد متوسط می‌باشد. همچنین عوامل اقتصادی و عملکرد دولت در سطح کلان، رسانه‌های جمعی و اعتماد عمومی در سطح میانی و میزان ادراک و دینداری افراد در سطح خرد بر اعتماد سیاسی تأثیرگذار بوده‌اند.

کلیدواژه‌ها: انقلاب اسلامی، فراتحلیل، اعتماد سیاسی، اعتماد به نظام، اعتماد به نهادهای سیاسی، اعتماد به کارگزاران سیاسی.

Email: salarmoradi@pnu.ac.ir

Email: mardomsalari1@yahoo.com

Email: drfalahatpishesh@yahoo.com

۱- دانشجوی دکتری علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبائی

۲- استادیار گروه علوم سیاسی دانشگاه علامه

طباطبائی (نویسنده مسئول)

۳- استادیار گروه علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبائی

تاریخ پذیرش: ۹۶/۰۸/۱۴

تاریخ دریافت: ۹۶/۰۵/۰۹

مقدمه

دولت‌ها همیشه به دنبال یافتن بهترین شکل حکمرانی و یا به نوعی بهترین نظام سیاسی بوده‌اند و شرایط متنوع تاریخی، ساختاری و نظایر آن باعث شد که انواع متفاوتی از نظام‌های سیاسی پدید آید، اما وجه مشترک آنها تأکید بر وجود دموکراسی و کسب اقتدار بر پایه رضایت مردم و میزان حمایت شهروندان از حاکمیت بوده است و عنصر مشروعیت و مقبولیت مهمترین پایه‌های حکومت‌های مردم‌سالار را تشکیل داده‌اند. همچنین چگونگی مشارکت افراد و گروه‌های اجتماعی در تعیین سرنوشت خود از اصلی‌ترین دغدغه‌های فلاسفه سیاسی مدرن و نظریه پردازان حوزه دموکراسی بوده است. مدیسون دل‌مشغولی اصلی نظریه پردازان قرارداد اجتماعی از هابز تا روسو را نحوه تشکیل جامعه‌ای قوی همراه با نظمی خودجوش می‌داند (مدیسون، ۱۳۷۸: ۱۱۸)، که نابسامانی‌ها و ناهنجاری‌های حوزه سیاسی یارای سرکوب و به آشوب کشاندن آن را نداشته باشد. یکی از مهمترین راهکارهای دستیابی به اهداف فوق طرح مفهوم سرمایه اجتماعی و به تبع آن اعتماد سیاسی است.

موضوع اعتماد و اعتماد سیاسی مهمترین وجه و شاخص در مطالعات سرمایه اجتماعی است. اهمیت و ارزش اعتماد سیاسی را می‌توان از دو جنبه مورد توجه قرار داد: یکی از منظر فوایدی است که اعتماد برای نظام سیاسی به بار می‌آورد مثل اطاعت و حمایت مردم از سیاستگذاری‌ها و قوانین جامعه بدون توسل نظام سیاسی به زور و خشونت و همچنین پایداری نظام سیاسی و دیگری از منظر نتایجی است که برای مردم به بار می‌آورد، مثل برخورداری مردم از امنیت، آسایش، توجه به مطالبات و نیازهای مردم در عرصه‌های مختلف اقتصادی، اجتماعی و سیاسی (جهانگیری، ۱۳۹۱: ۶). تقریباً همه اندیشمندان حوزه سیاست در این رابطه که بنیان تعاملات و ارتباطات انسانی بر پایه اعتماد پی‌ریزی شده است و اعتماد مهمترین عنصر در ارتباطات و تعاملات دو یا چند سویه است، متفق القول هستند.

به‌علاوه در کشورهایی که دارای تنوع هویتی (به‌ویژه هویت‌های قومی و مذهبی) هستند، همواره مسأله حفظ همگرایی و جلوگیری از واگرایی و همچنین ارتقای شاخص‌های تقویت‌کننده سرمایه اجتماعی بسیار حائز اهمیت است. زیرا علاوه بر عوامل تاریخی (بیگانگی سیاسی) و زمینه‌ای (تمایزات قومی، زبانی، مذهبی و فرهنگی) که گاه به‌عنوان عوامل بسترساز تعارض و ناسازگاری عمل می‌کنند، عوامل دیگری هم از جمله سیاست‌ها و برنامه‌های دولت و کارگزاران دولتی بر این امر مهم تأثیرگذار می‌باشد، که حتی می‌توان این تعارضات زمینه‌ای را تقویت کنند.

با وجود اجماع اندیشمندان مختلف بر اهمیت و جایگاه اعتماد سیاسی، پارادایم و چارچوب نظری و روشی یکسانی برای تحلیل آن پدید نیامده است. لوسکیو بر این باور است که محققان اعتماد سیاسی، موضوع مشابهی را با رویکردهای مختلف مورد بررسی قرار داده‌اند و هر یک بر جنبه خاصی از موضوع تکیه کرده‌اند که این امر خود به ارائه تعریفی ناقص از مفهوم اعتماد شده است (لوسکیو، ۱۹۹۸: ۱۲). همچنین اندیشمندان داخلی و خارجی هر کدام بر اساس روشی به بررسی و تعریف اعتماد سیاسی و سنجش آن پرداخته‌اند و مدل‌های مختلفی ارائه شده است، که این تفاوت به دلیل ساختارهای سیاسی،

اجتماعی و فرهنگی و حتی جغرافیایی خاص کشورها بوده است. بنابراین باید به این موضوع توجه داشت که منابع، شیوه‌ها و مصادیق سرمایه اجتماعی (و به تبع آن، اعتماد سیاسی) در ایران به دلیل ساخت سیاسی و اجتماعی متفاوت، با الگوهای متعارف جاری یکسان نیست (ردادی، ۱۳۹۰: ۲۲) و ایران به دلیل ساختارهای خاص انسانی (قومی و زبانی)، تکثر فرهنگی (و مذهبی)، جغرافیایی (قرار داشتن در منطقه خاورمیانه و همچنین تحولات منطقه) و سیاسی، نیازمند مدل‌های خاص در تحلیل اعتماد سیاسی خواهد بود.

مطالعات سرمایه اجتماعی و اعتماد سیاسی با هدف شناخت دقیق‌تر اعتماد سیاسی و بررسی عوامل موثر بر افزایش و متغیرهای دخیل در کاهش آن، با هدف حفظ ثبات و کارآمدی حکومت‌ها و تقویت راه‌های پیوند بیشتر دولت و شهروندان، در سراسر جهان انجام گردید و به نتایج متفاوتی دست یافت. در ایران نیز در رابطه با اعتماد سیاسی تحقیقات نظری و میدانی مختلفی انجام شده و علی‌رغم برخی یافته‌های مشترک به نتایج متفاوتی دست پیدا کرده است، به عنوان مثال؛ مطالعات اخیر نشان می‌دهد که در ایران پس از انقلاب اسلامی، سطح اعتماد سیاسی همواره تحت تأثیر عوامل و متغیرهای گوناگون دچار تغییر و نوسان بوده است. برای مثال، ملک پور نشان می‌دهد که اعتماد سیاسی از ۸۱ درصد در سال ۱۳۶۵ به حدود ۴۰ درصد در سال ۱۳۸۱ رسید (ملک پور، ۱۳۸۱). یوسفی نیز نشان می‌دهد که میانگین اعتماد به مسئولان سیاسی در سال ۱۳۷۹ در سه شهر تهران، مشهد و یزد ۳۸/۷ درصد بوده است (یوسفی، ۱۳۷۹). شایگان میانگین اعتماد سیاسی را در سال ۱۳۸۶ حدود ۵۲ درصد اعلام کرده است (شایگان، ۱۳۸۶).

تنوع روش‌ها و یافته‌ها در مطالعات اعتماد سیاسی، دستیابی به تصویری کلی از وضعیت اعتماد سیاسی را دشوار ساخته است. با توجه به اینکه یکی از اهداف مطالعات اجتماعی، شناخت مسائل جوامع انسانی و عوامل مؤثر بر آنها و ارائه راه‌حل‌های مناسب برای ارتقای شاخص‌های کمی و کیفی زندگی بشر است، سؤالی که در اینجا مطرح می‌شود این است که چگونه می‌توان نتایج پژوهش‌های انجام شده و نظریه‌های صورت بندی شده را در عمل به کار برد؟

محققان اعتقاد دارند که صرف مطالعه تحقیقات گذشته جنبه کیفی دارد و دارای اشکالاتی است، از جمله؛ ذهنی بودن تحقیقات، ناتوانی در انتخاب ویژگی‌هایی که موجب یک‌دست شدن نتایج می‌شود و عدم توانایی در بررسی متغیرهای اصلی در پژوهش‌های انجام شده. فراتحلیل به‌عنوان روشی مهارتی که در آن از روش‌های تحلیل، آمار و ریاضی استفاده می‌شود، شکاف‌های موجود در پیشینه، روش و در برخی موارد، ضعف‌های نظری را آشکار می‌کند و برای تعیین نقاط قوت تحقیق، بینش کافی را ایجاد می‌نماید. فراتحلیل روشی برای دستیابی به حقیقت مشترک در پشت همه مطالعات علمی مفهومی و فردی به منظور کشف مدل‌های کلی و مورد اجماع در توسعه علوم به‌شمار می‌رود.

مبانی نظری

سرمایه اجتماعی و اعتماد سیاسی

جیمز کلن و پس از او رابرت پاتنام، از پیشگامان تئوری‌های سرمایه اجتماعی هستند و آن را به منزله دارایی جوامع در نظر می‌گیرند، به طوری که مشارکت بیشتر در جامعه منجر به شبکه محکم‌تری از تعاملات اجتماعی و اعتماد بیشتر به یکدیگر می‌شود. به اعتقاد پاتنام مشارکت مدنی از عناصر اصلی و ضروری سرمایه اجتماعی است (ناطق‌پور و فیروزآبادی، ۱۳۸۵: ۱۶۲-۱۶۱). پاتنام منابع سرمایه اجتماعی را اعتماد، هنجارهای روابط زبردستان متقابل و شبکه‌های افقی تعامل می‌داند که تقویت کننده و خود افزون هستند. پاتنام موفقیت حکومت‌های مناطق شمالی ایتالیا نسبت به جنوب این کشور را به وجود سنت‌های مدنی (وجود انواع اعتماد به‌ویژه اعتماد سیاسی) نسبت می‌دهد که موجب مشارکت شهروندان این مناطق در مسائل عمومی، پیروی از قوانین و نیز ایجاد شبکه‌های اجتماعی و سیاسی افقی شده‌اند (پاتنام، ۱۳۸۰: ۳۹).

همچنین فوکویاما بر ضرورت وجود سرمایه اجتماعی و به‌طور اخص، اعتماد سیاسی برای بهبود شرایط زندگی اجتماعی و بویژه توسعه اقتصادی بسیار تاکید دارد. بنابراین، یکی از مهمترین مؤلفه‌های موجود در حوزه سرمایه اجتماعی برای برقراری ثبات و افزایش مشارکت شهروندان و همچنین دستیابی به حاکمیت خوب، مؤلفه اعتماد و به‌ویژه اعتماد سیاسی است.

اعتماد سیاسی، مفهومی پیچیده و بحث‌برانگیز است، که اندیشمندان مختلف هر یک به فراخور علاقه و زمینه مورد مطالعه‌شان، با پر رنگ کردن ابعادی از اعتماد، عمدتاً به پیامدها و آثار آن اهمیت می‌دهند، به نحوی که میزان بالای تفاهم میان دولت و ملت با شاخص‌های چون ترجیح علایق جمعی به فردی، همکاری، فداکاری، مساعدت، تحمل سیاسی و پایبندی به اصول زندگی سیاسی سنجیده می‌شود. و در حالت کسری و کمبود اعتماد میان حکومت و حکومت‌شوندگان، یاس و ناامیدی، کاهش تعهدات سیاسی، عدم شرکت در انتخابات، سوءظن به حاکمیت، انزوای سیاسی افراد، کاهش تحمل و بالا رفتن ناراضی‌مندی، افول فداکاری و جان‌فشانی برای اصول و اهداف نظام سیاسی و تنهایی دولت در شرایط ناامنی و جنگ، انتظار می‌رود (امام‌جمعه زاده و مهرابی، ۱۳۹۲: ۷۴).

زتومکا معتقد است عوامل متعددی بر میزان اعتماد سیاسی جوامع تأثیرگذار است که عبارتند از: متغیرهای زمینه‌ای (مثل سنت تاریخی اعتماد یا بی‌اعتمادی)؛ متغیرهای مستقل (مثل شرایط ساختاری برای تجربیات مثبت یا منفی توأم با اعتماد که شامل وحدت هنجاری، ثبات نظام سیاسی، شفافیت سازمان اجتماعی، آشنایی با محیط اجتماعی و پاسخگو بودن افراد و نهادها است)؛ متغیرهای میانی (مثل خلیات اجتماعی که شامل انگیزه اعتماد کردن، عملگرایی، خوش‌بینی، گرایش به آینده، تمایل زیاد کسب موفقیت است و سرمایه اجتماعی که شامل ثروت و دارایی، امنیت شغلی، تعداد نقش‌ها، قدرت، تحصیلات، شبکه‌های روابط اجتماعی، خانواده سالم و اعتقادات دینی) است (زتومکا، ۱۳۸۴: ۱۵۴-۱۵۵).

آنتونی گیدنز به «ذات مفهوم اعتماد سیاسی» اشاره کرده و معتقد است که در اعتماد سیاسی نوعی رابطه مبادله‌ای میان شهروندان و نظام سیاسی حاکم نهفته است. مردم برای رفع نیازهای خود به‌خصوص برای تأمین امنیت، آسایش و مشارکت در امور جامعه نیاز به ارتباط با دولت دارند و از سوی دیگر، این نیاز هم توسط دولت‌ها برای مشارکت شهروندان احساس می‌شود (ساعی و روشن، ۱۳۹۱: ۶۰). هنگامی که در این مبادله مردم احساس کنند هزینه‌ها بیشتر از سود آن شده است، از مشارکت خود می‌کاهند. گیدنز ماهیت نهادهای مدرن را عمیقاً وابسته به نظام‌های انتزاعی به‌ویژه نظام‌های تخصصی می‌داند و معتقد است این نظام‌ها با قابلیت اعتماد به مهارت تخصصی تثبیت شده کار می‌کنند. او اعتماد به نهادها را صورت پایبندی‌های غیر قابل روئیتی می‌داند که طی آن، ایمان به کارایی و منفعت ساختاری، که شخص عادی تقریباً چیزی از آن نمی‌داند، حفظ می‌شود (گیدنز، ۱۳۷۷: ۴). به باور گیدنز، اعتماد یا عدم اعتماد به نظام‌های تخصصی (که نظام سیاسی جزئی از آن است) در معرض تأثیر شدید از تجارب ما در نقاط دسترسی و همچنین دانش‌های روزمره‌ای قرار دارد که از طریق رسانه‌های ارتباطی و منابع دیگر در دسترس شهروندان عادی و نیز متخصصان فنی قرار می‌گیرد.

اعتماد سیاسی از نظر دیوید استون^۱ مجموعه‌ای از نگرش‌های مثبت نسبت به موضوعات سیاسی است. او می‌گوید اعتماد سیاسی هم به سمت رژیم سیاسی جهت می‌یابد و هم به سمت متصدیان اقتدار در جامعه. نوریس^۲ هم در تعریف اعتماد سیاسی به پنج شاخصه پرداخته که عبارت‌اند از: حمایت از اجتماع سیاسی مثل ملت، کشور (حمایت از کشور در زمان جنگ)؛ حمایت از قانون اساسی کشور؛ حمایت از امور اجرایی رژیم مثل دموکراسی و امثالهم؛ حمایت از نهادهای رژیم، مثل حکومت، پارلمان، قوه قضائیه، پلیس، سیستم بوروکراسی، احزاب سیاسی و ...؛ حمایت از کارگزاران سیاسی و رؤسای سیاسی و اجرایی (Bretzer, 2002: 6).

به باور بریتزر اعتماد سیاسی شامل سه بعد است؛ اعتماد به نظام سیاسی، اعتماد به نهادهای سیاسی و اعتماد به کنشگران سیاسی (Bretzer, 2002: 7). کلاوس اوفه در توجیه ضرورت نیاز به عنصر اعتماد و به ویژه اعتماد سیاسی در جامعه و با فرض اینکه اعتماد در هر جامعه‌ای موجود است، فعال نمودن و حفظ آن را به جای ایجاد آن امر صحیح‌تری می‌داند. وی انگیزه‌های فردی را برای پایداری و قوام اعتماد، ناقص می‌بیند و برای تکمیل آن دو راه حل پیشنهاد می‌دهد: یکی توجه به گروه‌ها (به‌طور کلی) به‌عنوان منبع تقویت هویت‌های مشترک و احساس تعلق فرد. دیگری نهادهای جامعه که براساس توانمندی خود می‌توانند اعتماد را در سطح جامعه گسترش دهند (اوفه، ۱۳۸۴: ۲۱۰).

رونالد اینگلهارت، معتقد است اعتماد سیاسی متأثر از عوامل متعددی شکل می‌گیرد. بر اساس نظریه وی توسعه اقتصادی - اجتماعی می‌تواند بر میزان اعتماد سیاسی جوامع تأثیرگذار باشد. بدین معنا که اینگلهارت، توسعه اقتصادی - اجتماعی را در دو سطح فردی و جمعی بیان می‌کند (جهانگیری، ۱۳۹۱: ۱۳۹۱).

1. David Stone
2. Nooris

۱۲-۱۳). بر اساس نظریه اینگلهارت رضایت از زندگی به‌عنوان یکی از عوامل مؤثر بر میزان اعتماد سیاسی می‌باشد؛ بدین معنا که هرچه فرد از زندگی خود رضایت بیشتری داشته باشد، مشارکت مؤثرتری در عرصه سیاسی دارد (ولزل و همکاران، ۱۳۸۲: ۲۵). همچنین اینگلهارت معتقد است که سطح سواد عمومی و میزان تحصیلات فرد می‌تواند بر نوع جهت‌گیری‌های سیاسی وی تأثیرگذار باشد؛ بدین معنا که افراد دارای تحصیلات دانشگاهی تأکید بیشتری به نسبت شهروندان عادی بر بیان نفس داشته‌اند. همچنین اینگلهارت به تأثیر مستقل ساختارهای فوق فرهنگی یا همان سنت‌های دینی و میراث مشترک تاریخی جوامع اذعان دارد. به این معنا که مذهب و قومیت افراد، مستقل از عامل توسعه اقتصادی-اجتماعی بر میزان اعتماد سیاسی افراد تأثیرگذار است (اینگلهارت، ۱۳۷۳: ۱۸۴).

علاوه بر آن، در میان متفکران داخلی نیز برخی محققین بر اهمیت اعتماد به نهادها و اعتماد سیاسی تأکید ورزیده‌اند. در این زمینه مسعود چلبی ریشه انواع اعتماد را در وابستگی عاطفی می‌داند. چلبی ترکیب مناسب روابط اظهاری و ابزاری را کلید گسترش اعتماد در جامعه می‌داند. در واقع با گسترش روابط ابزاری و باز شدن گروه‌های اولیه و اجتماعات طبیعی به روی کل جامعه است که مسیر عبور روابط اظهاری از درون گروه‌ها به بیرون آنها (سایر گروه‌های فعال اجتماعی) مهیا می‌شود (چلبی، ۱۳۷۵: ۲۵۱-۲۴۹). بر این اساس، اعتماد اجتماعی در بحث چلبی در دو شکل متفاوت مطرح می‌شود، «اعتماد میان فردی» که مختص جامعه سنتی است (که روابط اظهاری در آن غالب است) و «اعتماد تعمیم یافته»، که مختص جوامع مدرن است (که مشخصه آن روابط ابزاری است). چلبی، سنجش اعتماد مردم به بازیگران سیاسی را با الهام از نظریه شخصیتی «مونچ» متضمن ارزیابی مثبت در چهار بُعد شخصیتی؛ هوش، ظرفیت اجرا، تعهد عمومی و هویت فردی آنان می‌داند (چلبی، ۱۳۸۲: ۲۴۰).

از نظر قوام، یک نظام سیاسی هنگامی از نظر مردم مشروعیت دارد که به آن اعتماد داشته باشند، اما کسب این اعتماد سیاسی به عواملی بستگی دارد که عبارتند از: گسترش مشارکت واقعی مردم، قانونمند بودن نظام، افزایش کارایی نظام اداری، توانایی در ارتباط دادن ارزش‌ها به عملکرد و سیاست‌های نظام سیاسی (قوام، ۱۳۷۱: ۱۲۵). به باور قوام در ارتباط با دولت شاخص‌های زیر بیشترین نقش را در افزایش سرمایه اجتماعی دارد؛ افزایش کارآمدی، کاهش فساد، رفع تعارضات ساختاری و مشارکت جویی و قدردانی (افتخاری، ۱۳۸۲: ۸۸).

اعتماد سیاسی به‌عنوان یکی از موضوعات مورد علاقه اندیشمندان حوزه سیاست و به‌ویژه جامعه‌شناسان سیاسی، به بررسی میزان رضایت مردم از نظام سیاسی، برنامه‌ها و عملکرد مدیران سیاسی در سطوح مختلف می‌پردازد و میزان موفقیت و یا ناکامی حاکمیت را در جلب رضایت و به تبع آن حمایت مردم، ارزیابی می‌کند. برخی اعتماد سیاسی را نگرش مثبت و حامیانه مردم نسبت به نظام سیاسی، نهادهای سیاسی و کنشگران سیاسی در جامعه تعریف کرده‌اند (شایگان، ۱۳۸۶: ۲۱۶). به‌طور کلی اعتماد سیاسی درجه‌ای از باور شهروندان پیرامون توانایی و موفقیت حاکمان سیاسی در برآورده ساختن انتظارات

آنها است (زاهدی و خانباشی، ۱۳۹۰: ۷۰) که شامل سه بُعد، اعتماد به نظام سیاسی، اعتماد به نهادهای سیاسی و اعتماد به کارگزاران سیاسی است.

به طور کلی، در رابطه با عوامل مؤثر بر شکل‌گیری (کاهش و یا افزایش) اعتماد سیاسی پاره‌ای دیدگاه‌ها، اعتماد سیاسی را نتیجه اقدامات پایین به بالا یعنی جامعه و شهروندان ارزیابی می‌کند. بر این اساس مشارکت شهروندان در چارچوب نهادهای مردم نهاد و داوطلبانه، سطح اعتماد عمومی در جامعه را افزایش می‌دهد و سطح بالای اعتماد اجتماعی به تقویت اعتماد سیاسی منجر خواهد شد و فرهنگ مبتنی بر بی‌اعتمادی در روابط شخصی به سطوح دیگر یعنی رابطه شهروندان و نظام سیاسی تسری پیدا می‌کند و مانع از ارتباط مبتنی بر همکاری و اعتماد سیاسی خواهد بود (پاتنام، ۱۳۸۰: ۳۰۹). این دیدگاه که به دیدگاه «فرهنگی-اجتماعی» معروف است، اعتماد سیاسی را امری «گرایشی»^۱ معرفی می‌کند. از منظر این دیدگاه در برخی از فرهنگ‌ها زمینه‌های مناسب‌تری برای روابط مبتنی بر اعتماد و یا بی‌اعتمادی سیاسی وجود دارد. این دیدگاه را می‌توان در آثار اصحاب مکتب نوسازی به‌ویژه گابریل آلموند و سیدنی وربا، دیوید ایستون و یا برخی آثار رابرت پاتنام، آیزنشتات و برتران بدیع مشاهده کرد. در مقابل دیدگاه بالا برخی اندیشمندان، اعتماد سیاسی را فرآیندی بالا به پایین توصیف می‌کنند و آن را تحت تأثیر نحوه عملکرد نظام سیاسی می‌دانند و عواملی چون تورم، بیکاری، فساد سیاسی، پیروزی یا شکست در جنگ، رشد اقتصادی و نرخ جرم با درجات مختلف را بر میزان اعتماد شهروندان به نظام سیاسی اثرگذار می‌دانند (امام جمعه زاده، ۱۳۹۴: ۱۲۱). از منظر این دیدگاه، که به دیدگاه «نهادی» نیز معروف است، اعتماد سیاسی امری ارتباطی معرفی می‌کنند و بر این اساس میزان آن را در هر یک از جوامع متغیر می‌دانند و عملکرد و توانایی نهادها و کارگزاران سیاسی در تأمین نیازها و خواسته‌های اقتصادی و اجتماعی شهروندان و افزایش میزان رضایتمندی آنان بر میزان اعتماد سیاسی مردم تأثیری تعیین کننده دارد. پژوهشگرانی نظیر چارلز تیلی، کریستنسن پیرلاگرید و کنت بر این دیدگاه تأکید می‌کنند.

بنابراین می‌توان گفت: «اعتماد سیاسی، ابعاد ادراکی و احساسی رابطه مردم با دولت است و بیانگر مقدار اطمینانی است که شهروندان به مطلوبیت جهت‌گیری‌ها، سیاست‌های دولت، توانمندی، سلامت نهادها، کارگزاران سیاسی و انطباق عملکرد آنها با حقوق، منافع و مطالبات خود دارند». اعتماد سیاسی امری متغیر است و معمولاً از عوامل متعددی در سطوح کلان، میانی و خرد، تأثیر می‌پذیرد. اعتماد سیاسی را می‌توان هم در سطح کل یک کشور و هم در سطح مناطق یا گروه‌های اجتماعی خاص مورد بررسی قرار داد.

ضرورت و پیشینه

در هر حوزه‌ای که نیاز به تحقیق و مطالعه باشد و در صورت توجه کافی جامعه علمی و اجرای طرح‌های متعدد در ابعاد و دامنه‌های مختلف، پس از مدتی بازبینی و تحلیل مجدد مجموع تحقیقات انجام شده

ضروری خواهد بود. با فراتحلیل هم تصویر جامع‌تری از وضع موجود موضوع، عوامل و پیامدهای آن حاصل خواهد شد و هم نقایص و کاستی‌های حوزه پژوهشی مشخص خواهد گردید. به‌علاوه کارگزاران حوزه سیاسی و برنامه‌ریزان سطوح کلان، بهتر می‌توانند از داده‌های موجود استفاده کنند. بر همین اساس و با فرض اجرای تحقیقات نسبتاً کافی در حوزه اعتماد سیاسی، سعی شده است تمام تحقیقات مرتبط، گردآوری و نتایج آن مورد تحلیل قرار بگیرد. به‌طور کلی، ضروری است جهت تکمیل داده‌های قبلی و نیز مقایسه روند تحولات مربوط به موضوع و رصد فرایندهای پیش‌رو چنین فراتحلیل‌هایی در مقاطع مختلف و به‌طور منظم به اجرا در آید.

پیش از این در ایران فراتحلیل در حوزه اعتماد سیاسی انجام نشده است. البته چند عنوان فراتحلیل در حوزه سرمایه اجتماعی انجام شده که در بخش‌هایی از آن اعتماد و اعتماد سیاسی نیز بررسی شده است. از آن جمله می‌توان به پاک‌سرشت (۱۳۹۴)، ناطق‌پور (۱۳۸۵) و سیاهپوش (۱۳۸۷) اشاره کرد. این پژوهش، نخستین پژوهش مستقل در حوزه فراتحلیل مطالعات اعتماد سیاسی در ایران پس از انقلاب اسلامی به‌شمار می‌رود. لازم به ذکر است که در رابطه با اعتماد سیاسی و عوامل مؤثر بر آن طی سال‌های پیش و پس از انقلاب اسلامی در دو حوزه کلی مطالعاتی انجام شده است؛ حوزه اول که مطالعات عام با موضوع سرمایه اجتماعی، اعتماد، فرهنگ سیاسی، و رضایتمندی (از جمله ۶ پیمایش کشوری و همچنین مطالعات منطقه‌ای و استانی و صنفی - قشری) و حوزه دوم مطالعات مختص به ارزیابی اعتماد سیاسی، عوامل و شاخص‌های مؤثر بر آن بوده است، که در این پژوهش هدف اصلی فراتحلیل مطالعات دسته دوم بوده که مستقیماً به ارزیابی اعتماد سیاسی در سطوح مختلف ملی، محلی و استانی پرداخته‌اند.

روش مطالعه

می‌توان از روش‌های گوناگونی برای درک رویدادها و واقعیت‌هایی اجتماعی در حوزه علوم انسانی بهره گرفت. لکن پژوهش‌های اجتماعی با هر رویکردی اجرا شوند یکی از مهمترین نکاتی که باید مورد توجه قرار گیرد این است که نتایج و روند تغییرات در جهت‌گیری‌های شهروندان در موضوع مورد مطالعه به چه صورت بوده است. مقایسه یافته‌های متنوعی که در سال‌های مختلف و در حوزه‌های آماری گوناگون انجام شده‌اند به سایر محققین کمک می‌کند با دستیابی به تصویری کلی و کامل از سیر مطالعات گذشته، مسیرهای تکامل یافته و جدیدتری را به منظور حصول یافته‌های دقیق‌تر تعریف نمایند. یکی از روش‌های مرسوم در تجمیع و تحلیل یافته‌های پراکنده گذشته و دستیابی به نتایج کاربردی «روش فراتحلیل» است. فراتحلیل به دلیل ویژگی‌های خاصی که دارد به‌عنوان یکی از رویکردهای پذیرفته شده در مطالعات علوم اجتماعی کاربرد فراوانی دارد. از جمله حجم زیاد و فزاینده تحقیقات و نیاز به تلخیص همرا با ترکیب آنها، وجود ناسازگاری‌ها، تعارضات یا تناقضاتی در نتایج تحقیقات و ضرورت حل آنها، تعیین اندازه کلی اثر متغیر مستقل بر متغیر وابسته براساس تحقیقات موجود در هر موضوع خاص، تشخیص متغیرهای تعدیل‌کننده‌ای که رابطه بین متغیر مستقل و وابسته را تحت تأثیر قرار داده است، تشخیص حوزه‌های پژوهشی مسئله‌دار و همچنین تشخیص حوزه‌های تحقیقاتی که محققان گذشته به آن نپرداخته‌اند.

فرا تحلیل «ترکیب نتایج تعدادی از مطالعات انجام شده و به دست آوردن نتایج جدید است. مهمترین مزیت مطالعات فرا تحلیل این است که پژوهشگر با ادغام کردن نتایج مطالعات مختلف، قدرت مطالعه را در جهت یافتن نتایج معنی دار، افزایش می‌دهد». گلس و اسمیت معتقدند روش فرا تحلیل در مراحل بسیاری با پیمایش اشتراک دارد (Glass & Smith, 1980: 23). «آنچه که محقق در فرا تحلیل به دست می‌آورد نه صرفاً یک جمع‌بندی کمی و نه یک تحلیل ذهنی است، بلکه هم تجمیع داده‌ها و هم تحلیل نتایج و هم ترکیب عناصر گوناگون است» (سیاهپوش: ۱۳۸۷، ۱۰۳). فرا تحلیل هم تصویری جامع‌تر ارائه خواهد داد و هم با طرح ایرادات امکان اجرای طرح‌های مؤثرتری را فراهم خواهد کرد. استفاده بهتر و کاربردی‌تر از داده‌های به دست آمده در سیاست‌گذاری و مدیریت کلان، یکی دیگر از ضرورت‌های فرا تحلیل است.

این فرا تحلیل شامل بررسی کلیه مراحل تحقیق یعنی نظریه، روش، نتایج و رویکرد است. در این مقاله پس از گردآوری و خلاصه سازی اطلاعات و داده‌ها و تحلیل اطلاعات به دست آمده، از روش فرا تحلیل برای دستیابی به مهمترین چارچوب‌های به کار رفته در مطالعات اعتماد سیاسی، در حوزه یافته‌های توصیفی و تبیینی بهره‌گیری شده است. معنادار بودن یا نبودن رابطه‌ها و شدت همبستگی، مورد مطالعه قرار گرفته و از روش‌های کمی، جهت تجمیع این نوع داده‌ها استفاده نشده است.

شاخص‌ها

نکته قابل توجه در این رابطه این است که برخی از مطالعات انجام شده در حوزه اعتماد سیاسی دارای یک شاخص و برخی دیگر بیش از چند ده شاخص دارد. بنابراین باید ابعاد مشترک مطالعه‌ها با یکدیگر تجمیع و مقایسه شود و شاخص‌هایی که بیشترین اجماع و فراوانی را به خود اختصاص داده است مبنای فرا تحلیل قرار گیرند. در این مقاله شاخص‌های زیر در بررسی پژوهش‌های مورد مطالعه استفاده شده است:

- عنوان مرتبط با اعتماد سیاسی
- سال انجام
- محل انجام
- سؤال‌ها و فرضیه‌ها
- ابزارهای جمع‌آوری اطلاعات
- جامعه آماری و حجم نمونه
- روش‌های آماری تجزیه و تحلیل داده‌ها
- یافته‌ها به ترتیب اهمیت
- دامنه و گستره کار (ملی، منطقه‌ای و استانی).

جامعه آماری

جامعه آماری مورد مطالعه کلیه پژوهش‌های انجام شده در حوزه اعتماد سیاسی در ایران است که پس از انقلاب اسلامی انجام شده است، که به ترتیب شامل کتاب‌ها، مقالات پژوهشی، طرح‌های پژوهشی و پایان نامه‌های دانشجویی می‌باشد. برای دستیابی به حجم نمونه مناسب، تلاش شده همه کارهای مرتبط با ارزیابی اعتماد سیاسی در ایران مورد مطالعه و ارزیابی قرار گیرد که پژوهشگر صرفاً به دنبال علل و عوامل مؤثر بر اعتماد سیاسی بوده است و «اعتماد سیاسی» به عنوان متغیر وابسته مورد ارزیابی قرار گرفته است.

روش نمونه‌گیری

برای دستیابی به نمونه معرف مناسب کلیه مطالعات انجام شده، گردآوری شد و بر اساس شاخص‌های مورد مطالعه، پژوهش‌هایی که بیشترین شباهت و نزدیکی به جامعه آماری مورد نظر را داشت مورد استفاده قرار گرفته است. همان‌گونه که گفته شد در همه نمونه‌ها متغیر اعتماد سیاسی، متغیر وابسته بوده و در کنار آن دسته‌ای از متغیرهای مستقل که بیشترین اشتراک را در جامعه آماری مورد مطالعه داشت در فرایند فراتحلیل ارزیابی شده است.

حجم نمونه

با عنایت به اینکه مطالعات اعتماد سیاسی در ایران پس از انقلاب اسلامی بسیار محدود و عمدتاً به صورت یک موضوع مستقل مورد ارزیابی قرار نگرفته است. بنابراین در مرحله اول کلیه مطالعات اعتماد سیاسی و سپس بخشی از مطالعات سرمایه اجتماعی که در کنار سایر شاخص‌ها، موضوع اعتماد سیاسی را نیز تحت یک عنوان مستقل بررسی کرده بودند به عنوان حجم نمونه در نظر گرفته شده است که شامل ۳۵ مقاله علمی- پژوهشی چاپ شده در نشریات معتبر کشور است.

سؤالات و فرضیه‌های اصلی

تکامل جوامع بشری همواره دارای ویژگی‌ها و نوسانات خاص خود بوده است. یکی از این نوسانات بازنگری و بازاندیشی در وضعیت موجود و ترسیم و حرکت به سمت وضعیت مطلوب است. پژوهش‌های انجام شده در حوزه اعتمادسیاسی با عنایت به ماهیت موضوع و گستره اجرا از این قاعده مستثنی نیستند. مهمترین سؤالات و فرضیه‌های که مقاله حاضر سعی در پاسخگویی با آنها دارد عبارتند از:

سؤال اصلی

- مطالعات اعتماد سیاسی در ایران پس از انقلاب اسلامی به چه صورت و تحت تأثیر چه متغیرهایی انجام شده است؟

سؤالات فرعی

- سطح اعتماد سیاسی شهروندان (به نظام، نهادها و کنشگران سیاسی) در چه وضعیتی است؟

- در چه دوره‌ای بیشترین مطالعات اعتماد سیاسی انجام شده است؟
- مهمترین نتایج به‌دست آمده در مطالعات اعتماد سیاسی در ایران پس از انقلاب اسلامی چه بوده است؟

- نقاط ضعف و قوت مطالعات اعتماد سیاسی در ایران پس از انقلاب اسلامی چیست؟
- چه عواملی موجب افزایش (یا کاهش) سطح اعتماد سیاسی شهروندان خواهد بود؟

فرضیه‌ها

- نتایج به‌دست آمده از مطالعات اعتماد سیاسی در ایران پس از انقلاب اسلامی، نتایج یکسانی داشته است.
- روش‌های مورد استفاده در تحلیل اعتماد سیاسی در ایران پس از انقلاب اسلامی از چارچوب نظری واحدی پیروی کرده است.
- یافته‌های به‌دست آمده از پژوهش‌های ملی، منطقه‌ای و استانی پس از انقلاب اسلامی یکسان بوده است.
- عوامل و متغیرهای زمینه‌ای و محیطی در مطالعات اعتماد سیاسی در ایران بر نتایج به‌دست آمده تأثیرگذار بوده است.

جدول ۱: مطالعات بررسی شده در حوزه اعتماد سیاسی در ایران پس از انقلاب اسلامی

نویسنده	عنوان پژوهش	سال انجام	سوالات / فرضیه‌ها	روش	یافته‌ها
ابراهیمی	بررسی اعتماد سیاسی بر مشارکت سیاسی: (مطالعه دانشجویان عضو تشکل‌های انجمن اسلامی و بسیج دانشجویی دانشگاه‌های مازندران	۱۳۹۰	مقایسه بررسی میزان و تأثیر اعتماد سیاسی بر مشارکت دانشجویان عضو انجمن اسلامی و بسیج دانشجویی	کمی پیمایش	میانگین اعتماد سیاسی و مشارکت سیاسی دانشجویان عضو بسیج بیشتر از میانگین اعتماد سیاسی و مشارکت سیاسی دانشجویان عضو انجمن اسلامی است. بین اعتماد سیاسی (با ۳۷ درصد) و مشارکت سیاسی رابطه مثبت و معناداری وجود دارد.
ابوالمعالی	تحلیل رابطه بین اعتماد عمومی و اعتماد سیاسی مردم به دولت و نهادهای دولتی (تحلیل ثانویه چند پیمایش داخلی و خارجی)	۱۳۹۵	بررسی رابطه بین اعتماد عمومی و اعتماد سیاسی	تحلیل ثانویه	بین اعتماد عمومی و اعتماد سیاسی رابطه معناداری وجود دارد و اعتماد سیاسی خود عاملی برای افزایش اعتماد عمومی به شمار می‌رود.

افزایش اعتماد سیاسی با گسترش و تسهیل ارتباط مردم و دولت و نهادها و کنشگران و همچنین حوزه بین‌المللی، نقش مهمی در فرآیند جامعه‌پذیری نسل‌ها دارد.	توصیفی	بررسی رابطه بین رسانه ملی و تغییرات اعتماد سیاسی	۱۳۹۲	کارکردهای رسانه ملی با تأملی بر نقش آن در حوزه اعتماد سیاسی	احسانیان عربی
نقطه‌ی قوت نظریه نهادی «کارآمدی» است و نظریه فرهنگی منشأ بی‌اعتمادی به نهادهای سیاسی را غالباً در خارج از حوزه سیاست جست‌وجو می‌کند.	توصیفی	ارزیابی متغیرهای نهادی و فرهنگی در تبیین اعتماد سیاسی	۱۳۹۲	عوامل مؤثر بر اعتماد سیاسی در جمهوری اسلامی ایران	احسانیان عربی
سهم عمده‌ای از شاخص اعتماد سیاسی، ماهیت رسانه‌ای یافته است و مدیریت آن در رقابت بین رسانه‌های رسمی و غیررسمی در چرخش است. تداوم در ترمیم دامنه اعتبار و سطح اعتماد مخاطبین ایرانی به رسانه‌های داخلی یک ضرورت در حوزه اعتماد سیاسی است.	توصیفی	در دنیای چند رسانه‌ای کنونی اعتماد سیاسی چگونه حاصل می‌شود؟	۱۳۹۴	اعتماد سیاسی در جامعه چند رسانه‌ای (با تأکید بر نقش رسانه ملی در اعتماد سیاسی شهروندان جمهوری اسلامی)	اسدی و رضوی
بین انتظارات سیاسی مردم از نهادها و مسئولان و اعتماد آنها نسبت به نهادها و مسئولان رابطه منفی و معنادار وجود دارد.	کمی پیمایش	انتظارات سیاسی مردم از مسئولان چه تأثیری بر اعتماد آنها دارد.	۱۳۹۲	بررسی تأثیر انتظارات سیاسی بر اعتماد مردم نسبت به مسئولان (بررسی موردی شهر تهران)	اشتریان و امیرزاده
یافته‌های پژوهش وجود رابطه معنادار میان یک مدل سه وجهی ادراک عمومی از سطح پاسخگویی سازمان‌های دولتی، سطح اعتماد عمومی به سازمان‌های دولتی و سطح اعتماد سیاسی به دولت را تأیید می‌کند. پاسخگویی عملکردی - اجرایی دولت بالاترین ضریب اهمیت را نزد پاسخگویان داشته است. اعتماد به نهادهای سیاسی ۲۳،۷۰، اعتماد به نظام سیاسی ۱۹،۷۹، و اعتماد به کارگزاران سیاسی ۱۸،۵۶ درصد بوده است.	کمی پیمایش	چه رابطه‌ای بین پاسخگویی و اعتماد عمومی و اعتماد سیاسی وجود دارد؟ چه رابطه‌ای بین اعتماد اداری و اعتماد سیاسی وجود دارد؟	۱۳۹۲	تأثیر پاسخگویی بر اعتماد عمومی و اعتماد سیاسی (سازمان‌های دولتی ایران)	اصغری و اسدی

<p>اعتمادی فر</p>	<p>بررسی جامعه شناسانه اعتماد سیاسی - اجتماعی دانشجویان در ایران (با تکیه بر تحلیل ثانویه چند پیمایش ملی</p>	<p>۱۳۹۲</p>	<p>وضعیت اعتماد بدنه دانشجویی در ابعاد عمومی و سیاسی چگونه است؟</p>	<p>تحلیل ثانویه</p>	<p>به نظر می‌رسد با کاهش اعتماد در میان مردم، دانشجویان به میزان بیشتری تحت تأثیر قرار گرفته و اعتماد در میان آنها در ابعاد سیاسی و اجتماعی کاهش می‌یابد. اعتماد مردان به مدیران دولتی بیشتر از زنان و متأهلین بیشتر از مجردها است. مشارکت در انتخابات یکی از شاخص‌های ارزیابی اعتماد سیاسی است.</p>
<p>امام جمعه زاده و مهرابی</p>	<p>الگوی اعتماد سیاسی با تأکید بر دیدگاه امام خمینی(ره)؛ با استفاده از تئوری زمینه‌ای (GT)</p>		<p>دیدگاه امام خمینی(ره) درباره اعتماد سیاسی چیست؟</p>	<p>توصیفی تحلیلی</p>	<p>اعتماد و ارتباط متقابل مردم و دولت، هسته مرکزی تعریف اعتماد سیاسی از دیدگاه امام(ره) است. اعتماد سیاسی اساساً خصلتی دوسویه و باز تولیدی دارد.</p>
<p>امام جمعه زاده و مهرابی</p>	<p>بازنمایی معنای اعتماد سیاسی در زندگی سیاسی امام خمینی(ره)</p>	<p>۱۳۹۲</p>	<p>امام(ره) در دوره کلان زندگی سیاسی خود، قبل و بعد از انقلاب اسلامی چگونه اعتماد سیاسی را معنا و چه قواعدی را برای تداوم آن لحاظ کرد؟</p>	<p>توصیفی تحلیلی</p>	<p>در دیدگاه امام(ره) اعتماد سیاسی با قواعد «دولت خدمتگذار» و «ملت حمایت‌گر»، تسهیل کننده رابطه شهروندان و دولت در جهت همکاری و انجام امور است.</p>
<p>پناهی و شایگان</p>	<p>اثر میزان دینداری بر اعتماد سیاسی</p>	<p>۱۳۸۶</p>	<p>نگرش مردم نسبت به دین و دولت چگونه است؟</p>	<p>کمی پیمایش</p>	<p>یافته‌ها نشان داد که ۴۲ درصد اعتماد سیاسی کل زیاد، ۳۱ درصد متوسط و ۲۷ درصد کم بود. ۶۳/۲ درصد نسبت به جمهوری اسلامی اعتماد سیاسی زیاد، ۲۰ درصد کم بود. ۴۰/۲ درصد به نهادهای سیاسی اعتماد زیاد و ۳۷/۶ درصد متوسط و ۲۲/۲ درصد کم بود. در رابطه با کنشگران سیاسی، ۳۵ درصد زیاد، ۴۲/۷ متوسط و ۲۱/۹ درصد کم بود.</p>

جهانگیری	تحلیل عوامل مرتبط با اعتماد سیاسی دانشجویان (پیمایشی در میان دانشجویان دانشگاه شیراز)	۱۳۹۱	متغیرهای سرمایه اجتماعی، دینداری، رضایت از زندگی، استفاده از رسانه و ساختار فوق فرهنگی چه تأثیری بر اعتماد سیاسی دارد؟	کمی پیمایش	نتایج تحقیق حاکی از آن است که تنها ۲۶/۷ درصد از افراد دارای اعتماد سیاسی پایین هستند و ۵۶/۳ درصد از افراد دارای اعتماد سیاسی متوسط و ۱۷ درصد از افراد دارای اعتماد سیاسی بالا هستند و اعتماد به نظام سیاسی بیش از اعتماد به نهادها و کنشگران سیاسی است. میزان درآمد رابطه منفی با اعتماد سیاسی دارد. رابطه سطح تحصیلات و قومیت با اعتماد سیاسی معنادار است.
خانباشی	پژوهشی پیرامون تأثیر عوامل سیاسی - قانونی بر سطح اعتماد سیاسی	۱۳۹۱	عوامل سیاسی - قانونی چه تأثیری بر سطح اعتماد سیاسی دارد؟	کمی پیمایش	اعتماد به نهادهای سیاسی با بار عاملی ۹۴ درصد، اعتماد به نظام سیاسی با ۸۳ درصد و اعتماد به مدیران سیاسی با ۸۰ درصد بالاترین و پایین‌ترین تأثیر را داشته‌اند. یافته‌های پژوهش از نقش مهم مؤلفه‌های سیاسی - قانونی در تبیین میزان اعتماد سیاسی در سطح جامعه حکایت دارد.
خانباشی، زاهدی و الوانی	نقش عوامل راهبردی محیطی در تبیین اعتماد سیاسی (با تأکید بر عامل میانجی اعتماد عمومی به سازمان‌های دولتی)	۱۳۹۱	عوامل راهبردی محیطی تأثیرگذار بر اعتماد سیاسی کدامند؟	کمی پیمایش	یافته‌ها وجود رابطه معنادار میان مؤلفه‌های مهم محیط راهبردی از یک سو و سطح اعتماد عمومی از سوی دیگر را تأیید می‌کنند. عوامل سیاسی - قانونی، عوامل اقتصادی و عوامل فرهنگی - اجتماعی بیشترین تأثیر را بر اعتماد عمومی به سازمان‌های دولتی داشته‌اند.
خانباشی	تأثیر عوامل اقتصادی بر سطح اعتماد سیاسی	۱۳۹۰	عوامل اقتصادی چه تأثیری بر نوسانات اعتماد سیاسی دارد؟	کمی پیمایش	عوامل اقتصادی یک جامعه بر سطح اعتماد سیاسی در آن جامعه مؤثر است. یافته نشان داد میزان ثبات اقتصادی، وضع شاخص‌های مهم اقتصادی و فساد مالی (اقتصادی)، به ترتیب بیشترین تأثیر را بر اعتماد سیاسی خواهند داشت.

<p>خانباشی زاهدی، الوانی و قربانی زاده،</p>	<p>الگوی فراگیر برای مطالعه عوامل استراتژیک محیطی مؤثر بر اعتماد سیاسی (طراحی و آزمون مدلی در ایران)</p>	<p>۱۳۹۰</p>	<p>عوامل راهبردی محیطی در افزایش یا کاهش اعتماد سیاسی و اعتماد عمومی به دولت‌ها چه نقشی دارند؟</p>	<p>کمی پیمایش</p>	<p>عوامل سیاسی - قانونی و فرهنگی - اجتماعی بیشترین تأثیر را بر اعتماد سیاسی دارند. نتایج تحلیل عاملی تأییدی مؤلفه‌های متغیر اعتماد سیاسی بیانگر این مطلب است؛ اعتماد به نهادهای سیاسی با بار عاملی ۹۴ درصد، دارای بیشترین تأثیر و اعتماد به نظام سیاسی با ۸۳ درصد، و مؤلفه اعتماد به مدیران با ۸۰ درصد دارای کمترین تأثیر نسبی در تبیین متغیر مکتون می‌باشند.</p>
<p>خوش فر</p>	<p>تأثیر سرمایه اجتماعی بر مشارکت سیاسی: مطالعه موردی استان گلستان</p>	<p>۱۳۸۷</p>	<p>سرمایه اجتماعی (اعتماد سیاسی) چه تأثیری بر مشارکت سیاسی دارد</p>	<p>کمی پیمایش</p>	<p>مشارکت سیاسی انتخاباتی با اعتماد کل، اعتماد تعمیم یافته، اعتماد در روابط شخصی، اعتماد نهادی و اعتماد سیاسی رابطه معنادار دارد.</p>
<p>دانش فر و ادیب‌زاده</p>	<p>اعتماد سیاسی: دیدگاه تطبیقی بین کشورهای اتحادیه اروپا و جمهوری اسلامی ایران</p>	<p>۱۳۹۵</p>	<p>چه تفاوت‌های میان سنجش اعتماد سیاسی در کشورهای اتحادیه اروپا و جمهوری اسلامی ایران وجود دارد؟</p>	<p>توصیفی تحلیلی</p>	<p>در بسیاری از کشورها برای سنجش اعتماد سیاسی شاخص‌های مربوط به سطح فرهنگی و اقتصادی خود را در نظر می‌گیرند در حالی که در ایران هنوز کاری در رابطه با تعیین مقیاس خاصی صورت نگرفته است. در ایران اعتماد سیاسی بر مبنای شاخص‌های سه گانه بریتزر یعنی اعتماد به نظام، به نهادها و به کارگزاران ارزیابی شده است.</p>
<p>زاهدی</p>	<p>چارچوبی نظام‌مند برای تجزیه و تحلیل عوامل مؤثر بر اعتماد سیاسی در ایران</p>	<p>۱۳۹۱</p>	<p>عوامل راهبردی محیطی چه تأثیری بر میزان اعتماد سیاسی دارند؟</p>	<p>کمی پیمایش</p>	<p>میان ادراک عمومی از سطح پاسخگوی سازمان‌های دولتی و مؤلفه‌های مهم محیط راهبردی از یک سو و سطح اعتماد سیاسی از سوی دیگر رابطه معنادار وجود دارد.</p>
<p>زاهدی و خانباشی</p>	<p>از اعتماد عمومی تا اعتماد سیاسی (پژوهشی پیرامون رابطه اعتماد عمومی و اعتماد سیاسی در ایران)</p>	<p>۱۳۹۰</p>	<p>اعتماد عمومی به سازمان‌ها و نهادهای دولتی چه نقشی در اعتماد سیاسی شهروندان دارد؟</p>	<p>کمی پیمایش</p>	<p>یافته‌ها تأثیر بهبود اعتماد عمومی را بر ارتقای سطح اعتماد سیاسی جامعه تأیید می‌کند. همچنین مؤلفه‌های مشکل گشایی، عدالت محوری و سازگاری به ترتیب بیشترین تأثیر را بر سطح اعتماد سیاسی در جامعه دارد.</p>

ساعی و روشن	تحلیل فازی اعتماد سیاسی استادان دانشگاه	۱۳۹۲	اعتماد سیاسی اساتید دانشگاه براساس کیفیت حکمرانی چگونه است؟	کمی پیمایش	کیفیت حکمرانی علت کافی برای اعتماد سیاسی است و ارزش شاخص گذاری بین دو مجموعه کیفیت حکمرانی و اعتماد سیاسی برابر با ۹۴٪ است. درک کیفیت حکمرانی شرط کافی (لازم رد شد) برای اعتماد سیاسی است.
سرایبی و صفیری	بررسی اعتماد سیاسی دانشجویان: مطالعه	۱۳۸۸	نقش طبقه اقتصادی - اجتماعی، جنسیت، و رشته تحصیلی بر اعتماد سیاسی دانشجویان چگونه است؟	کمی پیمایش	اعتماد به نظام سیاسی تقریباً متوسط بود، ۴۱ درصد اعتماد کم، ۲۶ درصد متوسط و ۳۲ درصد اعتمادشان به نظام سیاسی زیاد بوده است. اعتماد به نهادهای سیاسی؛ ۲۷ درصد اعتماد زیاد، ۴۰/۷ درصد اعتماد متوسط و ۳۲/۲ درصد اعتماد کمی دارند. اعتماد به کنشگران سیاسی، ۳۴ درصد کم، ۳۳ درصد بالا و ۳۳ درصد متوسط داشته‌اند. میزان اعتماد سیاسی در میان پاسخگویان حدود ۳۴ درصد اعتماد سیاسی بالا، ۳۳ درصد متوسط و ۳۳ درصد پایین بوده است. جنسیت و میزان تحصیلات تأثیری بر میزان اعتماد سیاسی نداشته، ولی اعتماد سیاسی در طبقات اجتماعی مختلف، متفاوت است و طبقات اجتماعی بالاتر اعتماد سیاسی کمتری دارند و بلعکس.
سردارنیا و قدرتی	تأثیر حکمرانی خوب و سرمایه اجتماعی بر اعتماد سیاسی: مطالعه موردی مشهد و سبزوار	۱۳۸۹	متغیرهای حکمرانی خوب، سرمایه اجتماعی، جامعه‌پذیری، جنسیت، تحصیلات و محل سکونت چه تأثیری بر اعتماد سیاسی دارند؟	کمی پیمایش	متغیرهای حکمرانی خوب (نبود فساد، تبعیض و احساس امنیت اجتماعی)، سرمایه اجتماعی (عضویت در انجمن داوطلبانه بسیج)، جامعه‌پذیری در خانواده، جنسیت، تحصیلات و محل سکونت توانستند ۴۰ درصد متغیرهای اعتماد سیاسی را تبیین کنند.

<p>سمیعی و نیری</p>	<p>بحران اقتصاد جهانی و تأثیر آن بر اعتماد سیاسی شهروندان به کشورهای اتحادیه اروپا</p>	<p>۱۳۹۴</p>	<p>میان بحران اقتصادی و اعتماد شهروندان چه رابطه‌ای وجود دارد؟</p>	<p>کیفی - تبیین علی</p>	<p>میان بحران مالی، اقتصادی اروپا و اعتماد شهروندان اروپایی به نظام‌های سیاسی خود، رابطه مستقیم وجود دارد و این بحران موجب شکل‌گیری نوعی بی‌اعتمادی در میان شهروندان اروپایی نسبت به سیاست‌های نئولیبرالی شده است.</p>
<p>سیدامامی و منتظری مقدم</p>	<p>نقش فرهنگ اعتماد و عملکرد نهادهای سیاسی در ایجاد اعتماد سیاسی: بررسی پیمایشی دانشجویان دانشگاه تهران</p>	<p>۱۳۹۱</p>	<p>میزان اثرمندی رویکرد نهادی و فرهنگی در تحلیل اعتماد سیاسی و میزان دینداری چگونه است؟</p>	<p>کمی پیمایش</p>	<p>نظریه‌های (خرد) نهادی اعتماد سیاسی، قدرت تبیین بیشتری نسبت به نظریه‌های فرهنگی اعتماد سیاسی دارند. ولی هر دو رویکرد قدرت تحلیل اعتماد سیاسی در ایران را دارند. همچنین رابطه دین‌داری و اعتماد سیاسی نیز به تأیید رسیده است. میان جنسیت، تأهل و مقطع تحصیلی و اعتماد سیاسی رابطه معناداری مشاهده نشد.</p>
<p>سیدامامی و قادری</p>	<p>تغییرات نسل سوم انقلاب در زمینه اعتماد سیاسی در دهه ۱۳۸۰</p>	<p>۱۳۹۵</p>	<p>میزان اعتماد سیاسی از دید نسل سوم انقلاب به چه صورت است؟</p>	<p>تحلیل ثانویه</p>	<p>یافته‌ها نشان می‌دهد گرچه سطح اعتماد سیاسی در طول دهه ۸۰ در میان نسل سوم انقلاب مناسب و در حد قابل قبولی بوده ولی با برخی تغییرات و نوسانات در دوره زمانی مورد مطالعه روبرو بوده است.</p>
<p>شایگان</p>	<p>بررسی عوامل اثرگذار بر اعتماد سیاسی</p>	<p>۱۳۸۷</p>	<p>وضعیت اعتماد سیاسی و عوامل مؤثر بر آن در میان شهروندان تهرانی چگونه است؟</p>	<p>کمی پیمایش</p>	<p>در این پژوهش اعتماد سیاسی مردم در حد متوسط است (۵۲ درصد اعتماد سیاسی بالا) و اعتماد به نظام سیاسی بالاتر از اعتماد به نهادها و کنشگران سیاسی بوده است. همچنین عواملی چون میزان رفاه و رضایت از زندگی، اعتماد بنیادی و میزان دین‌داری مردم، بر میزان اعتماد سیاسی آنان مؤثر است. هیچ رابطه‌ای میان تحصیلات و اعتماد سیاسی مشاهده نشد.</p>

نتایج نشان داد شاخص‌های اعتماد سیاسی در دو بخش: ۱- ویژگی‌های فردی حاکمان، مانند تقوی الهی، توجه به اخلاق و معنویت، صداقت، حسن تدبیر و حسن ظن نسبت به مردم؛ ۲- رفتار حاکمان با مردم مانند: خدمتگزاری، رعایت عدالت و انصاف، رفق و مدارا (پرهیز از شدت و سختگیری) و عدم تبعیض و نیز توجه به عمران و آبادانی کشور بود.	توصیفی تحلیل محتوا	شاخص‌های اعتماد سیاسی از دیدگاه حضرت علی(ع)، چیست؟	۱۳۹۴	شاخص‌های اعتماد سیاسی از دیدگاه حضرت علی(ع)	شایگان
اعتماد مردم به پلیس جامعه محور (بخشی از کارگزاران) به اعتماد سیاسی منجر خواهد شد.	توصیفی	پلیس چه نقشی در کاهش یا افزایش اعتماد سیاسی دارد؟	۱۳۸۴	نقش پلیس در اعتماد سیاسی	شایگان
یافته‌ها نشان می‌دهد که اعتماد سیاسی ۵۲ درصد پاسخگویان بالا و اعتماد به نظام سیاسی با ۷۹ درصد زیاد، بالاتر از اعتماد به نهادهای سیاسی با ۵۰/۰۸ زیاد، و کنشگران سیاسی با ۳۶ درصد زیاد است. اگر دولت خواهان، افزایش اعتماد سیاسی است باید در زمینه ایجاد رفاه اجتماعی مردم بیشتر تلاش نماید. ۶۱ درصد کسانی که از رفاه اقتصادی خوبی برخوردار بودند، اعتماد سیاسی بالایی داشته‌اند.	کمی پیمایش	چه رابطه‌ای بین میزان رفاه اجتماعی - اقتصادی مردم و اعتماد سیاسی آنان وجود دارد؟	۱۳۸۹	نگرش نسبت به رفاه اجتماعی - اقتصادی و رابطه آن با اعتماد سیاسی در شهر تهران	شایگان
میزان اعتماد اجتماعی ۶۲ درصد بالا، ۳۷/۵ متوسط و ۵ درصد پایین بود. اعتماد سیاسی ۲۴/۷ درصد بالا، ۵۴/۴ درصد متوسط و ۲۰/۸ پایین بود. میزان اعتماد اجتماعی و سیاسی زنان بیشتر از مردان و افراد متأهل بیشتر از مجردها بود. اعتماد اجتماعی و سیاسی با متغیر زمینه‌ای سن رابطه دارد. اعتماد اجتماعی و سیاسی با میزان استفاده از رسانه‌های داخلی رابطه معنادار و مثبت و با میزان استفاده از رسانه‌های خارجی رابطه معنادار و منفی دارد.	کمی پیمایش	تأثیر رسانه‌های جمعی بر اعتماد سیاسی چگونه است؟	۱۳۸۹	بررسی جامعه شناختی تأثیر رسانه‌های جمعی بر اعتماد سیاسی و اجتماعی (مطالعه موردی شهر یزد)	شفیعی

<p>صدیقی، ملکمیان و دیگران</p>	<p>بررسی تأثیر اعتماد سیاسی بر مشارکت سیاسی (مطالعه دانشجویان کارشناسی ارشد دانشگاه آزاد اسلامی واحد رودهن ۸۸-۸۹)</p>	<p>۱۳۹۰</p>	<p>اعتماد سیاسی دانشجویان چه تأثیری بر مشارکت سیاسی آنان دارد؟</p>	<p>کمی پیمایش</p>	<p>یافته‌ها نشان داد که اعتماد سیاسی رابطه مستقیمی با مشارکت سیاسی دارد. متغیرهای عملکرد نهادهای حکومتی، تعاملات ابزاری، تعاملات اظهاری، عدم شایسته سالاری، عملکرد رسانه‌های جمعی دارای رابطه معنادار با مشارکت سیاسی هستند.</p>
<p>طالبی، حیدری و فاطمی‌نیا</p>	<p>عوامل مؤثر در اعتماد سیاسی: پیمایشی میان دانشجویان دانشگاه صنعتی شریف</p>	<p>۱۳۸۷</p>	<p>میزان اعتماد سیاسی در میان دانشجویان چگونه است؟</p>	<p>کمی پیمایش</p>	<p>یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که متغیرهای دینداری، ارزش‌های مادی و فرامادی، استفاده از رسانه‌ها و دینداری، رابطه معنی‌داری با اعتماد سیاسی دانشجویان دارد. میزان استفاده از رسانه خارجی و ارزش‌های فرامادی با اعتماد سیاسی رابطه معکوس دارند. میانگین کلی اعتماد سیاسی به ترتیب برای نظام سیاسی ۴۵/۳، کنشگران سیاسی ۳۱/۲ و نهادهای سیاسی ۳۴/۶ درصد است.</p>
<p>عباس‌زاده</p>	<p>عوامل مؤثر بر شکل‌گیری اعتماد اجتماعی دانشجویان رفاه اجتماعی شماره ۱۵</p>	<p>۱۳۸۲</p>	<p>چه عواملی بر اعتماد سیاسی دانشجویان مؤثر هستند؟</p>	<p>کمی پیمایش</p>	<p>میزان اعتماد دانشجویان در حد متوسطی ارزیابی شده و بیشترین سهم در تغییرات آن مربوط به عوامل فرهنگی - اجتماعی است.</p>
<p>عدلی‌پور و دیگران</p>	<p>تأثیر استفاده از شبکه اجتماعی فیس بوک بر اعتماد و مشارکت سیاسی جوانان</p>	<p>۱۳۹۳</p>	<p>تأثیر استفاده از شبکه اجتماعی بر اعتماد سیاسی چیست؟</p>	<p>کمی پیمایش</p>	<p>در افرادی که از فیسبوک برای کسب اخبار استفاده می‌کردند اعتماد سیاسی کل بالاتر بود ۳۶ درصد. اعتماد سیاسی (نظام با ۳۹ درصد، نهادها با ۳۴ درصد، کنشگران با ۳۳ درصد) همچنین پایین‌ترین میزان اعتماد سیاسی مربوط به کسانی بود که از فیسبوک برای تفریح و سرگرمی استفاده کرده‌اند.</p>
<p>هرسیج</p>	<p>کسری اعتماد سیاسی: ریشه‌ها و راهکارهای مقابله با آن در نظام مردم سالاری دینی</p>	<p>۱۳۸۳</p>	<p>ریشه‌های کسری اعتماد سیاسی در ایران کدام است؟</p>	<p>توصیفی تحلیلی</p>	<p>عوامل فرهنگی، نهادی و فردی نقش مهمی در فرایند کسری اعتماد در دهه ۱۳۷۰ داشته است.</p>

یافته‌ها

یافته‌های توصیفی

بر اساس یافته‌ها، مطالعات مربوط به اعتماد سیاسی در ایران پس از انقلاب اسلامی عمدتاً مربوط به دهه ۱۳۸۰ و ۱۳۹۰ بوده‌اند و ۳۰ درصد مقالات در دهه ۱۳۸۰ و ۷۰ درصد در سال‌های ۱۳۹۰ به بعد، انجام شده‌اند، که این علاقه‌مندی و تمایل پژوهشگران به مطالعه و بررسی اعتماد سیاسی در سال‌های اخیر، نشان از اهمیت یافتن بحث اعتماد سیاسی در رویکردهای پژوهشی حوزه علوم اجتماعی و سیاسی دارد.

همچنین از مجموع مقالات ۲۶ مورد در تهران، ۳ مورد در اصفهان، ۲ مورد تبریز و استان‌های گلستان، مازندران، یزد و مشهد هرکدام یک مورد را به خود اختصاص داده‌اند. اجرای بیش از ۷۵ درصد مطالعات در تهران و سهم پایین استان‌ها یکی از نقاط قابل تأمل مطالعات اعتماد سیاسی است که باید مورد کنکاش دقیق‌تر قرار گیرد. در رابطه با دامنه و گستره مطالعات اعتماد سیاسی در ایران پس از انقلاب اسلامی، مطالعات ملی ۱۰ مورد، فراملی ۲ مورد و استانی ۲۳ مورد را شامل می‌شود.

از ۱۰۰ درصد مقالات با عنایت به ویژگی‌های مدنظر پژوهش حاضر تلاش شد که مطالعاتی که بیشترین سنخیت را با اعتمادسیاسی دارند گردآوری شود که در ۸۰ درصد آنها اعتمادسیاسی متغیر وابسته بوده است و در ۲۰ درصد نیز اعتمادسیاسی نقش متغیر مستقل را بازی کرده است مانند: (خانباشی، ۱۳۹۱)، (خانباشی، زاهدی، الوانی و قربانی‌زاده، ۱۳۹۰)، (خانباشی، زاهدی و الوانی، ۱۳۹۱)، (زاهدی، ۱۳۹۱).

حدود ۸۵/۶ درصد مطالعات انجام شده در زمینه‌ی اعتماد سیاسی دارای نظریه نیست و در آن نظریه‌سازی صورت نپذیرفته است و صرفاً جنبه‌ی توصیفی و تحلیلی دارد و کاربردی نیست و تنها در ۱۴/۴ درصد باقی‌مانده می‌توان به نظریات کاربردی در زمینه‌ی اعتماد سیاسی دست پیدا کرد.

راهنماهای ارائه شده در مقاله‌های فارسی موجود درباره اعتماد سیاسی، با پارادایم‌ها و یافته‌های نظری آنها همبستگی دارد. در هر دسته از مقاله‌ها راهنماهای ارائه شده در جهت تضعیف موانع و تقویت همان عواملی است که در قالب پارادایمی خاص مورد توجه بودند و جزء یافته‌های نظری آن مقاله‌ها به‌شمار می‌روند. اهم این نظریه‌ها به این صورت می‌باشد: نظریه غالب در مطالعات مورد نظر «شناسایی ریشه‌ها و ابعاد سیاسی، مؤلفه‌ها و عوامل و موانع اعتماد سیاسی در ایران» بوده است و برای این منظور بازایی و بازنمایی مؤلفه‌ها و عوامل اعتماد سیاسی در منابع تاریخی- سیاسی و آثار مورخان و نخبگان توصیه شده است. همچنین نظریه جایگزین بسط و گسترش مبانی اعتماد سیاسی مانند مشارکت و پاسخگویی توسط نخبگان و حکام مردم سالار بوده است.

یافته‌های تبیینی

روش‌شناسی مورد توجه در مقاله‌ها و شاخص‌ها

در ۱۸ درصد مقاله‌های فارسی موجود درباره اعتماد سیاسی در ایران، برای تعریف اعتماد سیاسی به مجموعه‌ای از ابعاد، مؤلفه‌ها یا عناصر و بنیادهای مشترک اعتماد به زمامداران، اعتماد به حکومت، اعتماد به سیستم سیاسی اشاره شده است. در حدود ۸ درصد مقاله‌ها آگاهی افراد از حس اعتماد سیاسی و در ۸ درصد احساس تعلق و تعهد افراد به سیستم سیاسی و در ۲ درصد دیگر هم پاسخ افراد به کیستی و چیستی خود در ارتباط با بنیادهای مشترک و بالاخره در درصد بقیه هم بحران در آگاهی، احساس تعلق و پاسخ به کیستی و چیستی خود در ارتباط با بنیادهای مشترک مورد توجه قرار گرفته است. بنابراین می‌توان گفت که در مقاله‌های موجود درباره اعتماد سیاسی در ارتباط با تعریف اعتماد سه نکته مهم تقریباً برابر مورد توجه واقع شده است:

نکته اول: تأکید بر مؤلفه‌ها و عناصر چندگانه اعتماد سیاسی در بعد سیاسی، فرهنگی، اجتماعی

نکته دوم: تأکید بر آگاهی افراد از بنیادهای مشترک سیاسی یا احساس تعلق نسبت به آنها و تعهد

در برابر آنها و پاسخ به کیستی و چیستی خود در ارتباط با آنها در بعد ذهنی.

نکته سوم: وجود بحران در اعتماد به سیستم سیاسی

جمعیت آماری یا قلمرو مطالعه و تحقیق بیش از نیمی از مقاله‌های فارسی بررسی شده درباره اعتماد

سیاسی، به مطالعه ایران، و تعداد اندکی به مطالعه اعتماد سیاسی در سایر کشورها مربوط است. لازم به

ذکر است که در بیشتر مقاله‌ها جامعه آماری به صورت صریح مشخص نشده است، بلکه به طور ضمنی

قابل تشخیص است. جامعه آماری مطالعات اعتماد سیاسی را می‌توان به ۵ عنوان به شرح زیر تقسیم کرد،

که مطالعه شهروندان با ۴۰ درصد، دانشجویان با ۲۷ درصد، سازمان‌ها دولتی و غیردولتی با ۲۰ درصد،

جوانان با ۱۰ درصد و اساتید با ۳ درصد از جمله گروه‌های مورد مطالعه به‌شمار می‌روند.

در بیش از دو سوم مقاله‌های فارسی موجود درباره اعتماد سیاسی در ایران، روش‌های نمونه‌گیری

غیراحتمالی از نوع هدفمند یا اتفاقی است. در کمتر از یک سوم مقاله‌ها از روش‌های نمونه‌گیری

احتمالی استفاده شده است. پیش از این اشاره شد که در بیشتر مقاله‌ها جمعیت آماری به صورت صریح

مشخص نشده است و روش نمونه‌گیری هم غیراحتمالی است علاوه بر اینها حجم نمونه‌ها هم

نامشخص است. در یک سوم مقاله‌ها حجم نمونه‌ها تا حدی مشخص و در دو سوم بقیه حجم نمونه‌ها

همانند جمعیت آماری و روش‌های نمونه‌گیری مبهم و نامشخص است. این امر نشان دهنده ضعف

فرایند تعیین جمعیت‌های آماری، روش‌های نمونه‌گیری و حجم نمونه‌ها در مطالعات و تحقیقات اعتماد

سیاسی در ایران است.

روش‌های آماری گردآوری و تجزیه و تحلیل داده‌ها، در ۲۴ مورد مطالعات از روش پیمایشی، ۹ مورد از

روش توصیفی-تحلیلی و ۴ مورد از روش کمی و تحلیل ثانویه استفاده شده است. تکنیک‌های تحلیل

داده‌ها هم به تبع تکنیک‌های گردآوری داده‌ها (ارجاع به منابع موجود) و روش تحقیق (اسنادی) در ۱۹

درصد موارد محدود به تحلیل کیفی ساده از نوع تحلیل متن بوده است. در ۶۸ درصد آنها از تکنیک‌های کمی و در ۱۱ درصد از موارد از تلفیق تکنیک‌های کمی و کیفی و در ۲ درصد آنها از فراتحلیل استفاده شده است. همان‌طوری که قبلاً اشاره شد و بعداً نیز در ارتباط با تکنیک‌های گردآوری و تحلیل داده‌ها مطرح خواهد شد، مقاله‌های موجود درباره اعتماد سیاسی به‌عنوان یکی از مهم‌ترین مسائل جامعه امروزی ایران بیشتر با روش‌های کیفی به معنای عام تهیه شده است و روش‌هایی که اغلب فاقد اصول و قواعد مورد توجه در روش‌های کیفی به معنای خاص امروزی است. چنین به نظر می‌رسد که در ایران هنوز بکارگیری روش‌های کیفی به معنای دقیق دست کم در این زمینه خاص رواج پیدا نکرده است. ابزارهای جمع‌آوری اطلاعات به‌ترتیب شامل پرسشنامه و مصاحبه با ۲۵ مورد و استفاده از منابع کتابخانه‌ای و اسنادی ۱۰ مورد بوده است. در ۷۰ درصد مقاله‌های فارسی موجود درباره اعتماد سیاسی، داده‌ها و اطلاعات مورد نیاز از طریق پرسشنامه، در ۲۰ درصد از طریق ارجاع به منابع موجود و فقط در ۲ درصد آنها از طریق تلفیق پرسشنامه و ارجاع به منابع موجود گردآوری شده است. می‌توان گفت که میزان کیفیت اطلاعات به‌دست آمده در حد قابل قبولی برای کارهای بعدی نخواهد بود و همین موضوع، نوآوری و اعتبار علمی مقاله‌ها را محدود کرده است.

مسئله بسیار مهم و محوری که در اینجا باید مورد توجه قرار بگیرد، شاخص‌های انتخاب شده برای سنجش سرمایه اجتماعی است. برخی تحقیقات تنها از یک شاخص برای سنجش اعتماد سیاسی استفاده کرده‌اند، در حالی که برخی از تحقیقات در سطوح متعدد و با استفاده از شاخص‌های گوناگون (گاه شامل بیش از ۳۰۰ گویه) این موضوع را مورد بررسی قرار داده‌اند. به همین علت هنگام مقایسه و تجمیع یافته‌ها نمی‌توان مجموع نتایج یک تحقیق را با دیگر تحقیقات جمع کرد و به ناچار ابعاد مشترک تحقیقات با هم مقایسه شده است.

نبود کار منسجم تجربی در حوزه مورد نظر، اهمیتی دو چندان به این موضوع می‌دهد. بیشتر تحقیقاتی که اعتماد سیاسی را مورد بررسی قرار داده‌اند، در سطح خرد بوده که نمونه‌های فرهنگیان، دانشجویان به‌عنوان معرف کل جامعه شناخته شده‌اند و اگر کاری در سطح قومیتی در بین همه قشرها انجام گرفته، خارج از محدوده مطالعاتی این پژوهش بوده است. جدا از این، در چند سال اخیر به‌صورت اکتشافی - تحلیلی انجام چنین کاری صورت نگرفته است. چون اعتماد پدیده‌ای سیال است و تحت تأثیر سیاست‌های متفاوت دولت‌های مختلف دچار نوسان و تحول خواهد شد و بنابراین در دوره‌های زمانی مختلف به‌صورت زمانی و یا ثانویه باید تحلیل و ارزیابی شود. بدین معنا اعتماد سیاسی چون کانالی به سمت مشارکت سیاسی و به دنبال آن پایداری حکومتی و مشروعیت است؛ در همه حال، خصوصاً در نواحی مرزی باید مورد توجه و جستار قرار گیرد و در نبود اعتماد اگر چاره‌ای اندیشه نشود هزینه‌های زیادی بر دوش کشور خواهد گذاشت.

حدود نیمی از مقاله‌های فارسی موجود درباره اعتماد سیاسی در ایران یا فاقد پیشینه منابع و متون پیش از خود هستند یا مرور منابع آنها تنها محدود به همان موضوع خاص می‌باشد که در تیتیر مقاله آمده

است. در بخش دیگر از مقاله‌ها که مرور دیدگاه‌ها و منابع تجربی مورد توجه قرار گرفته است، یعنی فقط در ۵ درصد آنها بررسی به صورتی تفصیلی صورت گرفته است و منابع کاملاً بررسی شده و تاریخچه هم کاملاً مورد بررسی قرار گرفته است.

در مرور دیدگاه‌ها و منابع تجربی به آثار غیر جامعه‌شناختی نخبگان مذهبی، فلسفی و سیاسی، آثار برخی از جامعه‌شناسان خارجی چون وبر، گیدنز و هابرماس و آثار جامعه‌شناسان داخلی چون طباطبایی، ازغندی، دانایی ارجاع داده شده است. در ۲۰ درصد مقاله‌ها به دلیل توصیفی بودن، مبین‌ها یا متغیرهای مستقل مورد توجه قرار نگرفته‌اند. مبین‌ها یا متغیرهای مستقل مورد توجه در بقیه مقاله‌های فارسی مرتبط به اعتماد سیاسی را می‌توان به مبین‌های درون‌زا و برون‌زا دسته‌بندی نمود. متغیرهای درون‌زا خود به دسته‌های محدودتری چون اعتماد به نهادهای سیاسی، اعتماد به نظام سیاسی، اعتماد به کارگزاران یا نظام سیاسی قابل تقسیم هستند. عوامل برون‌زا هم شامل متغیرهایی چون عدالت‌مداری، سازگاری و اطمینان می‌شوند با اینکه در مجموع تأکید روی عوامل درون‌زا است ولی این عوامل به صورتی تقلیل‌گرایانه و جدا از هم مورد نظر قرار گرفته‌اند.

همان طوری که در ارتباط با مقاله‌ها اشاره شد، حدود یک چهارم مقاله‌های فارسی موجود درباره اعتماد سیاسی در ایران توصیفی‌اند و از شمول این بحث خارج هستند. گونه‌شناسی پارادایم‌های حاکم بر بقیه مقاله‌ها بر اساس اصلی‌ترین مبین یا متغیر مستقل صورت گرفته است. بر اساس مبین‌های مورد توجه در مقاله‌ها می‌توان پارادایم‌های غالب در مقاله‌ها را به دو دسته عام تقلیل‌گرایانه و تلفیق‌گرایانه تقسیم نمود. پارادایم‌های تقلیل‌گرایانه روی یک دسته خاصی از عوامل مثلاً سیاسی، خرد یا کلان تأکید شده است. ولی در پارادایم‌های تلفیق‌گرایانه ترکیب عوامل سطوح خرد و کلان یا درون‌زا و برون‌زا مورد توجه قرار گرفته است. در بیش از نیمی از مقاله‌های تبیینی پارادایم‌های تقلیل‌گرایانه تاریخی یا خرد درون‌زا یا کلان برون‌زا غالب است. در این پارادایم اعتماد سیاسی در ایران در ارتباط با نوع یا دسته خاصی از عوامل تاریخی یا خرد و یا کلان مورد توجه قرار گرفته است؛ ولی در بقیه مقاله‌ها سعی شده است اعتماد سیاسی در ایران با مجموعه به هم پیوسته‌ای از متغیرهای سطوح خرد و کلان و یا درون‌زا و برون‌زا مورد تحلیل قرار گیرد.

در بین این مقاله‌ها، ۲۴ درصد به تلفیق عوامل سطوح خرد و کلان و ۳۷ درصد به تلفیق عوامل درون‌زا و برون‌زا نظر داشته‌اند. با اینکه هنوز دیدگاه‌ها و پارادایم‌های تقلیل‌گرایانه بر اعتماد سیاسی غالب است، ولی گرایش به دیدگاه‌های تلفیق‌گرایانه جامع، در سال‌های اخیر افزایش یافته است.

در دسته‌ی اول پژوهش‌ها که ۲۰ درصد مقالات را شامل می‌شود در مورد اعتماد سیاسی کمتر و در مورد حکمرانی، ساختار سیاسی حکومت، قدرت و نخبگان بیشتر صحبت شده است.

در دسته‌ی دوم پژوهش‌ها که ۳۵ درصد مقالات را شامل می‌شود در مورد اعتماد سیاسی بیشتر بحث شده است. شفافیت نیز در کنار اعتماد سیاسی مورد بررسی قرار گرفته است و اعتماد سیاسی در چارچوب تحلیلی - توصیفی بررسی شده است.

در دسته‌ی سوم که ۴۰ درصد مقالات را شامل می‌شود اعتماد سیاسی، مشارکت و حکمرانی مطلوب مورد بررسی قرار گرفته است و قابل بررسی در فضای فراتحلیل می‌باشد.

در دسته آخر اعتماد سیاسی، مشارکت، حکمرانی مطلوب و شفافیت از پارامترهای اصلی مقاله است و کاملاً قابل بررسی در چارچوب فراتحلیل می‌باشد.

بیشتر مقالات با استفاده از رویکرد نهادی به تحلیل وضعیت اعتماد سیاسی در ایران پرداخته‌اند و نویسندگان معتقدند که نظریه‌های (خرد) نهادی اعتماد سیاسی، قدرت تبیین بیشتری نسبت به نظریه‌های فرهنگی اعتماد سیاسی دارند. ولی هر دو رویکرد قدرت تحلیل اعتماد سیاسی در ایران را دارند نقطه‌ی قوت نظریه نهادی «کارآمدی» است و نظریه فرهنگی منشأ بی‌اعتمادی به نهادهای سیاسی را غالباً در خارج از حوزه سیاست جست‌وجو می‌کند (سیدامامی و منتظری مقدم، ۱۳۹۱).

پرسش‌های اصلی مطرح شده در مطالعات بررسی شده:

- اعتماد سیاسی دانشجویان، اساتید و کارکنان نهادهای دولتی و خصوصی در چه وضعیتی است؟
- میزان رفاه و عوامل اقتصادی چه تأثیری بر اعتماد سیاسی دارد؟
- رسانه‌ها (ملی، مجازی، بین‌المللی) چه تأثیری بر اعتماد سیاسی دارند؟
- میزان اعتماد سیاسی در کشورهای دارای حکمرانی مطلوب چگونه است؟
- میزان اعتماد سیاسی بر اساس میزان مشارکت سیاسی چگونه تعریف می‌شود؟
- میزان اعتماد سیاسی بر اساس میزان شفافیت چگونه تعریف می‌شود؟
- میزان اعتماد سیاسی بر اساس میزان فرهنگ سیاسی چگونه تعریف می‌شود؟

مهمترین یافته مطالعات بررسی شده

- بین اعتماد عمومی و اعتماد سیاسی رابطه معناداری وجود دارد.
- افزایش اعتماد سیاسی با گسترش و تسهیل ارتباط میان مردم، دولت، نهادها، کنشگران و همچنین حوزه بین‌المللی، نقش مهمی در فرایند جامعه‌پذیری نسل‌ها دارد.
- عوامل اقتصادی و سطح رفاه یک جامعه بر سطح اعتماد سیاسی در آن جامعه مؤثر است.
- مشارکت در انتخابات یکی از شاخص‌های ارزیابی اعتماد سیاسی است. رابطه سطح تحصیلات و قومیت با اعتماد سیاسی معنادار است.
- به نظر می‌رسد با کاهش اعتماد در میان مردم، دانشجویان به میزان بیشتری تحت تأثیر قرار گرفته و اعتماد در میان آنها در ابعاد سیاسی و اجتماعی کاهش می‌یابد.
- یافته‌های پژوهش وجود رابطه معنادار میان یک مدل سه وجهی ادراک عمومی از سطح پاسخگویی سازمان‌های دولتی، سطح اعتماد عمومی به سازمان‌های دولتی و سطح اعتماد سیاسی به دولت را تأیید می‌کند.
- سهم عمده‌ای از شاخص اعتماد سیاسی، ماهیت رسانه‌ای یافته است و مدیریت آن در رقابت بین رسانه‌های رسمی و غیر رسمی در چرخش است.

- هرچه شفافیت سیاسی بیشتر شود میزان اعتماد سیاسی بیشتر می‌شود.
 - هرچه فرهنگ سیاسی بازتری داشته باشیم اعتماد سیاسی بالاتر می‌رود.
- در رابطه با وضعیت اعتماد سیاسی در مقالات مورد بررسی مهمترین نتایج نشانگر این است که اعتماد سیاسی (بالا) شهروندان به ساختار سیاسی در حد متوسط می‌باشد و در این بین مؤلفه نهادهای سیاسی با میانگین ۳۳ درصد در مقایسه با نظام سیاسی با میانگین ۳۰/۵ درصد و کنشگران سیاسی با میانگین ۲۸/۵ و از اقبال بیشتری از سوی شهروندان برخوردار است و دارای جایگاه بالاتری می‌باشند.

نتیجه‌گیری

انقلاب اسلامی ایران یکی از مردمی‌ترین انقلاب‌های جهان می‌باشد که در اواخر قرن بیستم به وقوع پیوست و تا به امروز که ۴ دهه از عمر آن می‌گذرد توانسته است مشخصه بارز خود که همان دموکراتیک بودن است را حفظ نماید. دلیل این مدعی شرکت گسترده مردم در انتخابات‌های مختلف به‌عنوان یکی از شاخص‌های اعتماد بنیادین مردم به نظام سیاسی می‌باشد. بدیهی است که این اعتماد اولاً در طول زمان تحت تأثیر شرایط و فاکتورهایی، دچار فراز و نشیب شده است و ثانیاً در بین اقشار و گروه‌های مختلف متغیر می‌باشد.

مطالعات و پژوهش‌هایی صورت گرفته در خصوص اعتماد سیاسی در ایران، بیانگر این است که محققان عمدتاً، بر مبنای شاخص‌های سه‌گانه بریتزر یعنی اعتماد به نظام، به نهادها و به کارگزاران، به مطالعه اعتماد سیاسی تحت تأثیر متغیرهایی در سه سطح خرد، میانی و کلان پرداخته‌اند. مهمترین نتایج به دست آمده بیانگر این است که اعتماد سیاسی کل، در حد متوسط می‌باشد و در این بین مؤلفه اعتماد به نهادهای سیاسی با میانگین ۳۳ درصد در مقایسه با نظام سیاسی با میانگین ۳۰/۵ درصد و کنشگران سیاسی با میانگین ۲۸/۵ درصد از اقبال بیشتری از سوی شهروندان برخوردار است و دارای جایگاه بالاتری می‌باشند. یافته‌ها بیانگر این است که از بین متغیرهای تأثیرگذار بر اعتماد سیاسی شهروندان نسبت به ساختار سیاسی می‌توان به عواملی از قبیل رفاه اقتصادی و عملکرد دولت در سطح کلان، رسانه‌های جمعی و اعتماد عمومی در سطح میانی و میزان ادراک و دینداری افراد در سطح خرد اشاره نمود. نکته قابل توجه اینکه قشر دانشگاهیان در مقایسه با سایر اقشار نسبت به مقوله اعتماد سیاسی دارای نگرش و برداشت دقیق‌تر و واقع بینانه‌تری می‌باشند. همچنین مقالاتی که در این فرا تحلیل مورد بررسی قرار گرفتند بیشتر جنبه توصیفی-تحلیلی داشتند که از روش پیمایش و ابزار پرسشنامه برای جمع‌آوری اطلاعات استفاده کرده بودند. بیشتر مطالعات از رویکرد نهادی استفاده کرده‌اند و در برخی موارد رویکرد فرهنگی نیز استفاده شده است.

با نگاهی کلی به مطالعات انجام شده چند نکته حائز اهمیت این است که چارچوبی نظری مشخص و کارآمد از لحاظ شناختی و جزئی‌نگرانه به موضوع اعتماد سیاسی در اکثر مطالعات مربوط به آن به چشم نمی‌خورد. بیشتر مطالعات انجام شده در این حوزه به بررسی مسائلی از قبیل مشروعیت سیاسی، مشارکت

سیاسی، حکومت‌های مردم‌سالارانه پرداخته‌اند. در کل مشکل اصلی پژوهش‌های انجام شده درباره اعتماد سیاسی در ایران عدم برخورداری آنها از یک رویکرد نظری منسجم است. بیشتر پژوهش‌ها، اعتماد سیاسی را در قالب بحث‌های دیگری مثل مشروعیت سیاسی، سرمایه اجتماعی و فرهنگ سیاسی مورد بررسی قرار داده‌اند و چندان توجهی به اهمیت این مفهوم در تبیین رفتار سیاسی شهروندان نداشته‌اند. علاوه بر آن در همین دسته از پژوهش‌ها ضعف الگوی نظری نیز به شدت به چشم می‌خورد. اعتماد سیاسی در این پژوهش‌ها معمولاً بدون تعریف دقیق جنبه‌های نظری (سید امامی و منتظری، ۱۳۹۱: ۱۹۱) و بیشتر در هم‌پوشانی با دیگر مفاهیم سیاسی مورد بررسی قرار گرفته است.

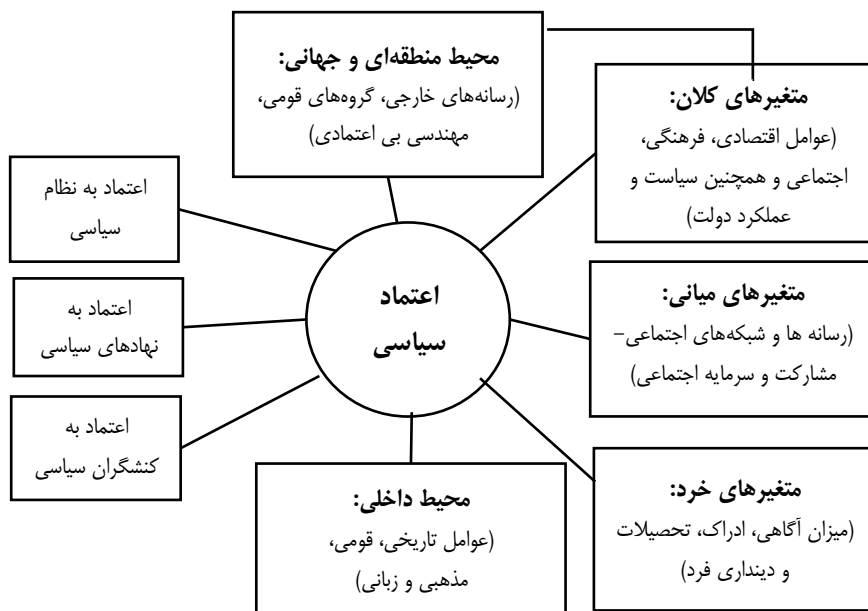
پیشنهادات

دستیابی به یک تصویر مشخص از اعتماد سیاسی در ایران و ارزیابی دوره‌ای و منظم بر مبنای یک مدل نظری و تجربی مناسب می‌تواند به درک وضعیت اعتماد سیاسی و همچنین راهکارهای مناسب تقویت و افزایش اعتماد سیاسی بر مبنای نیازها و بسترهای جامعه ایرانی، بازنگری سیاست‌ها و برنامه‌ها و همچنین شناخت نقاط مشترک حاکمیت و شهروندان با هدف تقویت اعتماد سیاسی و بهره‌مندی از مزایای آن بسیار مؤثر باشد.

با وجود این، مطالعات جهانی، ملی و محلی نشان می‌دهد که الگوهای اعتماد سیاسی و میزان آن، همان‌گونه که از جامعه‌ای به جامعه دیگر متفاوت است، از گروهی به گروه دیگر و از زمانی به زمان دیگر نیز متفاوت است (برای نمونه بنگرید به: اینگلهارت، ۱۳۷۳؛ پاتنام، ۱۳۸۰؛ لاگرید، ۱۳۸۴؛ وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۸۲ و ۱۳۸۴؛ وزارت کشور، ۱۳۹۴؛ سرائی و صفیری، ۱۳۸۸؛ سردارنیا، اسلامی و قدرتی، ۱۳۸۸). بنابراین، به نظر می‌رسد اعتماد سیاسی نه امری تماماً، «فرهنگی» است که صرفاً به ارزش‌ها و گرایش‌های نسبتاً پایدار جوامع وابسته باشد و میزان آن در هر جامعه‌ای نسبتاً ثابت باشد و نه امری تماماً «نهادی» است که ویژگی‌ها و تحولات آن در همه جوامع صرفاً تابع موقعیت‌ها و شرایط روزمره افراد و گروه‌های اجتماعی باشد.

پیشنهاد می‌شود که سیاستگذاران به اهمیت و جایگاه رسانه و ایجاد کانال‌های ارتباطی و اطلاع‌رسانی به‌ویژه در حوزه اقدامات اقتصادی و رفاهی به‌صورت جدی‌تری همت گمارند. همچنین پایش سطح اعتماد سیاسی شهروندان در دوره‌های زمانی منظم و بر اساس مدل زیر می‌تواند تصویر دقیق‌تری از آسیب‌ها و همچنین راهکارهای افزایش اعتماد سیاسی، به‌ویژه در جوامع متکثری مانند ایران ارائه نماید. توسعه متوازن و منطقه‌ای و همچنین استفاده از مدیران توانمند و متعهد می‌تواند گام مهمی در افزایش اعتماد سیاسی به‌شمار آید. مؤثرترین روش ارزیابی اعتماد سیاسی آن است که علاوه بر جنبه‌های ساختاری (نظام، نهاد و کارگزار) به عوامل محیطی (فرهنگی و اجتماعی) و همچنین متغیرهای منطقه‌ای و بین‌المللی نیز توجه نشان دهند.

به دلیل اینکه اعتماد پدیده‌ای سیال است و تحت تأثیر سیاست‌های متفاوت دولت‌ها مختلف دچار نوسان و تحول خواهد شد و بنابراین در دوره‌های زمانی مختلف به صورت زمانی و یا ثانویه نیازمند تحلیل و ارزیابی است و در همه حال، خصوصاً در نواحی مرزی باید مورد توجه و جستار قرار گیرد. همچنین تنوع کارهای پژوهشی و تنوع نتایج و عدم وجود امکانات مالی و شاید انسانی در اجرای تحلیل‌های سراسری و تنوع جوامع آماری (اقوام و فرهنگ‌های متفاوت)، فراتحلیل برای بهره‌گیری مناسب‌تر از مطالعات پیشین و تجمیع نتایج با هدف سیاست‌گذاری مناسب ضرورت خواهد یافت.



نمودار ۱: مدل نظری پیشنهادی برای مطالعات اعتماد سیاسی در ایران

منابع

- افتخاری، اصغر (۱۳۸۲)، «نبود سرمایه اجتماعی و تأثیر آن بر امنیت، اندیشه صادق»، دانشگاه امام صادق(ع)، شماره ۱۱ و ۱۲، تابستان و پاییز.
- امام جمعه‌زاده، سید جواد و مهرابی‌کوشکی، راضیه (۱۳۹۲)، «بازنمایی معنای اعتماد سیاسی در زندگی سیاسی امام خمینی(ره)»، پژوهشنامه انقلاب اسلامی (دانشگاه همدان)، پاییز، شماره ۸.

- امام جمعه‌زاده، سیدجواد و مهرابی‌کوشکی، راضیه (۱۳۹۴)، «الگوی اعتماد سیاسی با تاکید بر دیدگاه امام خمینی(ره)؛ با استفاده از تئوری زمینه‌ای (GT)»، مطالعات انقلاب اسلامی، شماره ۴۲.
- اوفه، کلاوس (۱۳۸۹)، چگونه می‌توان به شهروندان اعتماد داشت؟، چاپ شده در: تاج‌بخش، کیان، سرمایه اجتماعی، اعتماد، دموکراسی و توسعه، ترجمه افشین خاکباز و حسن پویان، تهران: شیرازه.
- اینگلهارت، رونالد (۱۳۷۳)، تحول فرهنگی در جامعه پیشرفته صنعت، ترجمه مریم وتر، تهران: انتشارات روزنه.
- پاتام، رابرت (۱۳۸۰)، دموکراسی و سنت‌های مدنی، ترجمه محمد تقی دل‌فروز، تهران: دفتر مطالعات و تحقیقات سیاسی وزارت کشور.
- جهانگیری، جهانگیر و ابوترابی‌زارچی، فاطمه (۱۳۹۱)، «تحلیل عوامل مرتبط با اعتماد سیاسی دانشجویان، (پیمایشی در میان دانشجویان دانشگاه شیراز)»، دو فصلنامه دانش سیاسی، سال هشتم، شماره دوم (پیاپی ۱۶).
- چلبی، مسعود (۱۳۷۵) جامعه‌شناسی نظم: تشریح و تحلیل نظری نظم اجتماعی، نشر نی: تهران: چاپ اول.
- دانش‌فر، کرم اله و ادیب‌زاده، مریم (۱۳۹۵)، «اعتماد سیاسی: دیدگاه تطبیقی بین کشورهای اتحادیه اروپا و جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه راهبرد، سال بیست و پنجم، شماره ۷۹.
- ردادی، محسن (۱۳۹۰)، نظریه اعتماد سیاسی (با تأکید بر گفتمان اسلامی)، با مقدمه اصغر افتخاری، تهران: دانشگاه امام صادق(ع).
- زاهدی، شمس‌السادات و خانباشی، محمد (۱۳۹۰)، «از اعتماد عمومی تا اعتماد سیاسی (پژوهشی پیرامون رابطه اعتماد عمومی و اعتماد سیاسی در ایران)»، پژوهش‌های مدیریت در ایران - مدرس علوم انسانی، دوره ۱۵، شماره ۴.
- زتومکا، پیوتر (۱۳۸۴)، اعتماد یک نظریه جامعه‌شناسی، ترجمه فاطمه گلابی، تبریز: انتشارات مترجم.
- ساعی، علی و روشن، تینا (۱۳۹۲)، «تحلیل فازی اعتماد سیاسی استادان دانشگاه»، مجله مطالعات اجتماعی ایران، دوره هفتم، شماره ۲، تابستان ۱۳۹۲.
- سرایی، حسن و صفیری، نسرین (۱۳۸۸)، «بررسی اعتماد سیاسی دانشجویان: مطالعه دانشجویان دانشگاه امیر کبیر»، مجله جامعه‌شناسی معاصر، سال اول، شماره چهارم، پاییز ۱۳۸۸.
- سردار نیا، خلیل‌اله؛ با همکاری حسین قدرتی و علیرضا اسلام (۱۳۸۹)، «تأثیر حکمرانی خوب و سرمایه اجتماعی بر اعتماد سیاسی: مطالعه موردی مشهد و سبزوار»، پژوهشنامه علوم سیاسی، سال پنجم، شماره اول.
- سریع‌القلم، محمود (۱۳۸۴)، فرهنگ سیاسی ایران، تهران: فرزانه روز.
- سیاه‌پوش، امیر (۱۳۸۷)، «فراتحلیل مطالعات سرمایه اجتماعی در ایران»، فصلنامه راهبرد فرهنگ، شماره سوم، پاییز.
- سید امامی، کاووس و منتظری مقدم، رضا (۱۳۹۱)، «نقش فرهنگ اعتماد و عملکرد نهادهای سیاسی در ایجاد اعتماد سیاسی: بررسی پیمایشی دانشجویان دانشگاه تهران»، فصلنامه انقلاب اسلام، دوره هفتم، شماره ۴.
- شایگان، فریبا (۱۳۸۶)، «بررسی رابطه دین‌داری و اعتماد سیاسی»، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه علامه طباطبائی.
- فیروزآبادی، سید احمد؛ حسینی، سید رسول و همکاران (۱۳۸۹)، «مطالعه شاخص‌ها و رتبه توسعه اجتماعی در استان‌های کشور و رابطه آن با سرمایه اجتماعی»، رفاه اجتماعی، سال دهم، شماره ۳۷.

- قوام، عبدالعلی (۱۳۷۱)، *بی‌اعتمادی و نظام سیاسی*، جامعه سالم، سال دوم، شماره ۶، مهرماه.
- گیدنز، آنتونی (۱۳۷۷)، *پیامدهای مدرنیته*، ترجمه محسن ثلاثی، تهران: مرکز، ۱۳۷۷، چاپ اول.
- مدیسون، جی. پی. (۱۳۷۸)، *اقتصاد سیاسی جامعه مننی*، تهران: نشر سفیر، چاپ اول.
- ملک پور، علی (۱۳۸۱)، *تعارض فرهنگی مردم و دولت در ایران*، تهران: نشر آزاد اندیشان.
- میستال، باربارا (۱۳۸۰)، «بررسی مفهوم اعتماد در میان جامعه‌شناسان کلاسیک»، ناصرالدین غراب، فصلنامه نمایه پژوهش، سال پنجم، شماره ۴۸.
- ناطق پور، محمدجواد و فیروزآبادی، سید احمد (۱۳۸۵)، «سرمایه اجتماعی و عوامل مؤثر بر شکل‌گیری آن در شهر تهران، مجله جامعه‌شناسی ایران»، دوره ششم.
- وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی (۱۳۷۹)، *ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان*، تهران: دفتر طرح‌های ملی.
- وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی (۱۳۸۲)، *ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان*، موج دوم، تهران: دفتر طرح‌های ملی.
- ولزل، کریستین؛ اینگلهارت، رونالد و دیترکلینگ‌مان، هانس (۱۳۸۲)، «توسعه انسانی، نظریه‌ای درباره تغییر اجتماعی»، هادی جلیلی، تهران: انتشارات طرح ملی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی
- یوسفی، علی (۱۳۷۹)، «بررسی تطبیقی مشروعیت سیاسی دولت جمهوری اسلامی ایران در سه شهر تهران، مشهد و یزد»، پایان‌نامه دکتری جامعه‌شناسی، دانشگاه تربیت مدرس.
- Bretzer, Noreen, (2002), How Can Institutions Better Explain Political Trust than Capitals Do, PHD Thesis, University of Gothenburg, Sweden.
- Putnam, R. D. (1993), The prosperous community: Social capital and pwoic life, American prospect, vol 4, No13, pp 35-42.
- Putnam, R. D. (1995), "Tuning in, Tuning out: The Strange Disappearance of Social Capital in America", PS: Political science & Politics, Vol.28, No.4: 664-683.
- Bourdieu, p. (1986), "The forms of capital", in J. G. Richardson (Ed). Handbook of Theory and Research for the sociology of Education, New York: Landon: Greenwood press.